

وَطَنَم

M e r s a d
مرصاد



فصلنامه سیاسی - فرهنگی | شماره هجدهم | پاییز ۱۴۰۴ | قیمت ۶۰۰۰ تومان

ای شکوه پابرجا



کاروان جهانی صمود؛ میراث سیاسی مقاومت در بحبوحه محاصره
ماجرای قانون حجاب
نقض حاکمیت در قلب خلیج فارس؛ تحلیل حمله رژیم صهیونیستی به قطر
به خویشتن فرکن

ملکت ایران

عزیز است

و عزیز خلد بود

سروز است

و سروز خلد بود

به توفیق الهی

سیدعلی خامنه‌ای | ۱۴۰۴/۴/۵

ایران

مرصاد



فصلنامه سیاسی - فرهنگی | سال سوم | شماره هجدهم | پاییز ۱۴۰۴

شماره مجوز: ۱۴۰۳/۱۲۲ م ف

تاریخ مجوز: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳

صاحب امتیاز: تشکل جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

مدیر مسئول: زهرا سادات موسوی

سر دبیر: مبینا کرداریان

استاد مشاور: دکتر سید محمدحسین رضوی

استاد مشاور طراحی: رضا ابراهیمی

طراح و صفحه آرا: ثنا یوسفی

ویراستاران: ریحانه حیدری | حنا زاکری | فرزانه صالحی | مبینا کرداریان |

زهرا سادات موسوی

دبیر تحریریه سیاسی: مبینا کرداریان

دبیر تحریریه فرهنگی: مبینا کرداریان

دبیر تحریریه ادبی: مبینا کرداریان

هیئت تحریریه:

رضا زارعی | کتابون بهارلویی | مبینا کرداریان | زهرا سادات موسوی | غزال

شیرانی بیدآبادی | احسان بصرای | محمدعلی خوش اخلاق | مبینا محسنی |

هانیه زمانی | آرش اله یاری

ارتباط با ما:

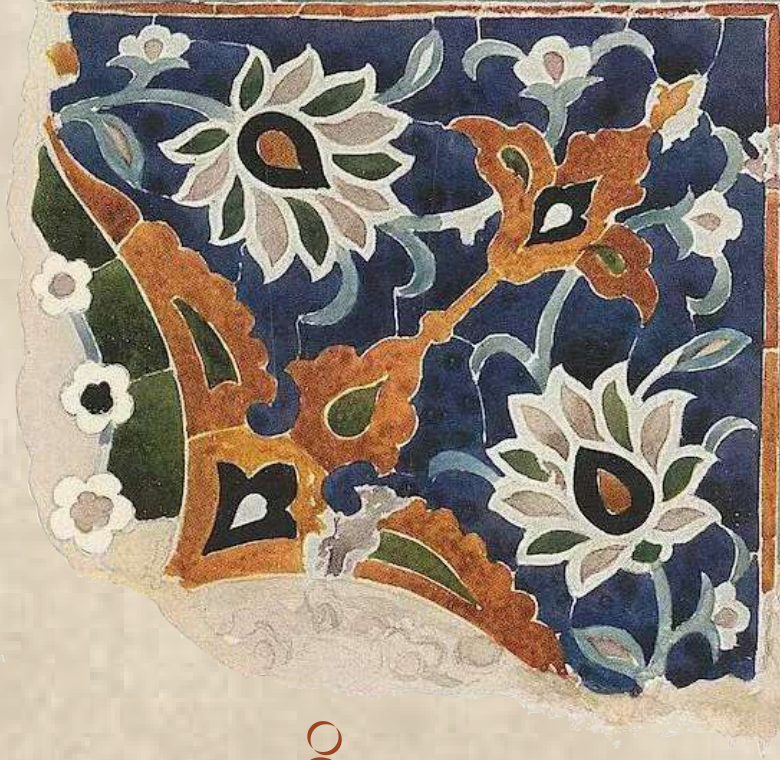
پست الکترونیکی: iaunjad@gmail.com



سامانه نشریات دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی



پیج اینستاگرام نشریه مرصاد



فهرست مطالب

۵..... سخن سردبیر.....

سیاسی

- ۶..... کاروان جهانی صمود؛ میراث سیاسی مقاومت در بحبوحه محاصره.....
- ۸..... بررسی حقوقی و سیاسی مکانیسم ماشه.....
- ۱۰..... «نقض حاکمیت در قلب خلیج فارس» تحلیل حمله رژیم صهیونیستی به قطر.....
- ۱۳..... ماجرای قانون حجاب.....
- ۱۵..... امنیت خبرنگاران در جنگ ایران و اسرائیل از دیدگاه حقوق بین‌الملل.....
- ۱۷..... سرود اراده.....

فرهنگی

- ۱۹..... مسیر پیشرفت.....
- ۲۰..... به خوشتن سفر کن!.....
- ۲۱..... پناهگاه امن عالم.....
- ۲۲..... نگاهی به اثر ماندگار؛ معرفی کتب ستاره‌ها چیدنی نیستند.....
- ۲۳..... روز پرستار مبارک.....
- ۲۴..... پیشینه ادب و شعر فارسی / بخش دوم.....
- ۲۷..... زندگینامه سردار شهید احمد یوسفی.....
- ۳۴..... چالش‌های حقوقی و راهنمای قانونی؛ چطور قرارداد اجاره را برد-برد تنظیم کنیم؟.....



جامعه دانشجویی امروز در میانه موجی از تغییرات اجتماعی، فرهنگی و علمی قرار دارد؛ موجی که گاهی الهام‌بخش است و گاهی پرسش‌برانگیز. نشریه ما تلاش می‌کند گوشه‌ای از این جهان پرهیاهو را روایت کند؛ جهانی که در آن هر تجربه كوچك می‌تواند جرقه‌ای برای گفت‌وگو و هر دغدغه شخصی می‌تواند بازتابی از يك مسئله جمعی باشد.

باور داریم که نوشتن و خواندن، نه فقط وظیفه‌ای دانشگاهی، بلکه راهی برای فهم بهتر خود و جامعه است. امیدواریم این صفحات فرصتی باشد برای توقفی کوتاه در میان شلوغی‌ها؛ مکانی برای فکر کردن، شنیدن صداهای گوناگون و ساختن پلی میان دیدگاه‌های متفاوت. از همراهی و نگاه نقادانه شما که باعث شکل‌گیری هر شماره می‌شود، سپاسگزاریم.

سخن سردبیر

مبینا کرداریان | دانشجوی پرستاری





کاروان جهانی صمود؛ میراث سیاسی مقاومت در بحبوحه محاصره

رضا زارعی | دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات آمریکای شمالی

«صمود» تنها یک واژه عربی برای پایداری نیست؛ در بستر منازعه فلسطین، این مفهوم به یک فلسفه کنش و استراتژی‌ای برای بقا بدل شد. کاروان جهانی صمود، که چند ماه پیش از بنادر مختلف مدیترانه حرکت خود را آغاز کرد، تجلی عملی این مفهوم در مقیاس بزرگ بود. امروز، در پاییز ۱۴۰۴، با وجود توقیف پرهزینه بخش اعظم ناوگان و بازداشت صدها فعال در اوایل اکتبر، ارزش و تأثیر سیاسی این کاروان نه تنها از بین نرفته، بلکه به یک میراث ماندگار در دیپلماسی عمومی و نماد شکست‌ناپذیری اراده مدنی در برابر محاصره تبدیل شده است.

بخش اول: از حرکت غرورآفرین تا رویارویی گریزناپذیر

محاصره غزه، که با هدف تضعیف ساختارهای مقاومت و اعمال فشار سیاسی حداکثری بر جمعیت غیرنظامی دنبال می‌شود، ماهیت امدادسانی را تغییر داده است. در چنین فضایی، هر اقدام بشردوستانه‌ای به یک عمل مقاومت سیاسی تبدیل می‌شود. کاروان صمود که ده‌ها شناور و صدها کنشگر مدنی، پزشک و خبرنگار از بیش از ۴۰ کشور را نمایندگی می‌کرد، ائتلافی نیرومند بود که هدف اصلی آن بالا بردن هزینه سیاسی و رسانه‌ای مقابله برای طرف محاصره‌کننده بود.

حرکت این ناوگان عظیم در اواخر آگوست و سپتامبر ۲۰۲۵، یک چالش تمام‌عیار جهانی را به میدان آورد. گزارش‌ها از حمله پهپادی به یکی از کشتی‌ها در نزدیکی تونس و اخلاف تعمدی در سامانه‌های ارتباطی، از همان ابتدا قصد طرف محاصره‌کننده را برای توقف آن آشکار ساخت. اوج تقابل، در اوایل اکتبر رخ داد؛ جایی که نیروی دریایی رژیم صهیونیستی در آب‌های بین‌المللی با قدرت کامل وارد عمل شد.

اگرچه گزارش‌ها تنها رسیدن یک یا تعداد بسیار محدودی از کشتی‌ها به آب‌های غزه و توقیف قریب به ۴۱ کشتی و بازداشت حدود ۴۰۰ نفر از فعالان توسط نیروهای نظامی را تأیید می‌کنند، این نتیجه فیزیکی، پیروزی روایت و دستاورد سیاسی کاروان را مخدوش نمی‌سازد.

بخش دوم: شکست محاصره اطلاعاتی و تثبیت مشروعیت

در جنگ روایت‌ها، کارکرد اصلی کاروان صمود از حوزه‌ی «لجستیک» کمک‌رسانی فراتر رفت و وارد میدان «تولید و توزیع روایت‌های آلترناتیو» شد. هرچند کشتی‌ها از نظر فیزیکی توقیف شدند، اما فعالان حاضر، نقش شهروند-خبرنگاران بین‌المللی را در خط مقدم ایفا کردند.

۱. ثبت تجاوز آشکار: عملیات توقیف، حمله با واترجت‌های پرفشار، انتقال اجباری و بازداشت فعالانی چون «گرتا تونبرگ» و سیاستمداران بین‌المللی، به طور گسترده در رسانه‌های جهانی بازتاب یافت. این رخدادها، شواهدی ملموس از «دزدی دریایی» و «نقض آشکار قوانین بین‌المللی» ارائه داد که خود یک پیروزی رسانه‌ای برای کاروان محسوب می‌شود.

۲. جهانی‌سازی یک مسئله: اخبار بازداشت ۲۰۰ نفر در زندان‌هایی چون «نقب» و گزارش‌های منتشر شده درباره شکنجه، مسئله محاصره غزه را از یک معضل منطقه‌ای به یک بحران جهانی حقوق بشری تبدیل کرد. این همبستگی، پایداری (صمود) مردم غزه را به یک دغدغه بین‌المللی دگرگون ساخت و این دستاورد همچنان معتبر است.

۳. تبدیل هزینه به سود: طرف محاصره‌کننده برای توقف این کاروان هزینه نظامی و عملیاتی صرف کرد، اما در مقابل، سرمایه اخلاقی و سیاسی خود را در سطح افکار عمومی جهان از دست داد. توقیف کشتی‌های حامل کمک و فعالان صلح‌جو، روایت رسمی را که محاصره را اقدامی دفاعی مشروع می‌دانست، به چالش کشید و تضعیف کرد.

بخش سوم: پیامدهای دیپلماتیک پس از عملیات و میراث کاروان

با گذشت چند هفته از توقیف گسترده کاروان، پیامدهای دیپلماتیک و سیاسی آن در حال رخ‌نمایی است:

- فشار بر دولت‌ها و نهادها: بازداشت اتباع اروپایی و آمریکایی، دولت‌های متبوع آن‌ها را ناچار کرد موضع‌گیری‌های صریح‌تری اتخاذ نمایند. گزارشگر ویژه سازمان ملل، «فرانچسکا آلبانیز»، با حمایت خود از کاروان، مشروعیت حقوقی آن را تقویت کرد و خواستار تأمین امنیت فعالان شد. این فشارهای دیپلماتیک، هزینه سکوت را برای حامیان محاصره افزایش داد.
- تقویت جنبش BDS (Boycott, Divestment, Sanctions): توقیف و سرکوب کاروان صمود، به عنوان نماد مقاومت مدنی جهانی، به جنبش‌های مردمی مانند بایکوت، سلب سرمایه و تحریم (BDS) شتاب بیشتری بخشید. این رویداد، سرمایه‌ای معنوی برای تقویت کنش‌های مدنی و سیاسی علیه حامیان محاصره فراهم آورد.
- اثبات غیرنظامی بودن هدف: حتی رسیدن موفقیت‌آمیز تنها یک کشتی (مینکو) به آب‌های غزه، پیام کلیدی کاروان را تثبیت کرد: هدف، صرفاً رساندن کمک‌های انسانی و شکستن بن‌بست بود. عدم توانایی در توقف کامل تمامی کشتی‌ها، هرچند اندک، به اعتبار این حرکت در تاریخ مقاومت دریایی افزود.

نتیجه‌گیری: صمود؛ شکستی که بذر مقاومت کاشت

کاروان جهانی صمود در ظاهر به مقصد نهایی خود نرسید و با هزینه‌ای سنگین متوقف شد، اما در عرصه سیاست و روایت، پیروز میدان بود. این کاروان یک مانیفست پایداری جهانی را به آب‌های مدیترانه آورد و ناکارآمدی سازوکارهای رسمی بین‌المللی در تأمین حداقل‌های انسانی را آشکار ساخت.

کاروان صمود نه تنها محاصره فیزیکی را به چالش کشید، بلکه محاصره اطلاعاتی و اخلاقی اعمال‌شده بر وجدان جهانی را نیز مورد حمله قرار داد. روایت بازداشت، توقیف، و مقاومت فعالان در سراسر جهان پخش شد. این پیروزی روایت‌پردازی، پیامی بلند داشت: پایداری (صمود) مردم غزه تنها نیست. رویداد کاروان جهانی صمود، به عنوان یک نقطه عطف تاریخی، ثابت کرد که هیچ محاصره‌ای نمی‌تواند در برابر اراده و همبستگی جهانی، تاب بیاورد و این میراث سیاسی، الهام‌بخش کنش‌های مشابه در آینده خواهد بود.





مکانیسم ماشه یا اسنپ‌بک سازوکاری در چارچوب برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) است که به اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد اجازه می‌دهد در صورت نقض تعهدات از سوی ایران، بدون نیاز به رأی‌گیری، تحریم‌های پیشین شورای امنیت را مجدداً اعمال کنند. این سازوکار با اقدام تروئیکای اروپایی در ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۵ فعال شد و باعث بازگشت قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران گردید.

ریشه‌شناسی اصطلاح «ماشه» یا «اسنپ‌بک» از آنجاست که همانند کشیدن ماشه تفنگ، تنها یک تصمیم‌گیری در شورای امنیت می‌تواند تحریم‌ها را به‌صورت ناگهانی و خودکار بازگرداند. مطابق این سازوکار، ضروری نیست تمام اعضای شورای امنیت رأی مثبت دهند؛ بلکه کافی است یکی از اعضای دائم، ادعای «عدم پایبندی اساسی» ایران را مطرح کند. در ۲۸ اوت ۲۰۲۵، فرانسه، آلمان و بریتانیا تصمیم به فعال‌سازی مکانیسم ماشه گرفتند تا تحریم‌ها ظرف ۳۰ روز دوباره برقرار شوند. این کشورها دلیل اقدام خود را «وجود شواهدی مبنی بر غنی‌سازی بسیار بالای اورانیوم در ایران» عنوان کردند؛ امری که به ادعای آن‌ها نشان می‌دهد برنامه هسته‌ای ایران صرفاً صلح‌آمیز نیست و تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی محسوب می‌شود.

در ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۵، قطعنامه‌ای که کره جنوبی برای جلوگیری از بازگشت تحریم‌ها به شورای امنیت ارائه داده بود، با حمایت تنها چهار کشور (چین، روسیه، پاکستان و الجزایر) و کمتر از حد نصاب نه رأی لازم، رد شد. در نتیجه، تحریم‌های سازمان ملل در پایان ماه بار دیگر اجرایی شدند.

در واکنش، شورای عالی امنیت ملی همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به حالت تعلیق درآورد. پس از آن، روسیه و

چین خواستار تعویق بازگشت تحریم‌ها تا بهار ۲۰۲۶ شدند، اما پیش‌نویس قطعنامه آن‌ها با ۴ رأی موافق، ۹ رأی مخالف و ۲ رأی ممتنع رد شد.

برجام سازوکارهایی دارد که اقتصاد و سیاست ایران را به تصمیمات غرب مشروط می‌کند. در این چارچوب، روابط اقتصادی ایران بدون موافقت سیاسی غرب عملاً ممکن نیست و کشورهای غربی معمولاً در ازای هر اقدام، خواسته‌ها و محدودیت‌های بیشتری مطرح می‌کنند. بررسی این ساختارهای شرطی‌ساز به درک بهتر نقش مکانیسم ماشه در برجام کمک می‌کند.

پایان برجام و بازگشت تحریم‌های اعمالی کشورهای غربی

پس از خروج آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷، تحریم‌های آمریکا مجدداً اعمال شد و تحریم‌های ثانویه این کشور باعث شد شرکت‌ها و بانک‌های اروپایی به دلیل ترس از مجازات‌های مالی آمریکا از همکاری با ایران خودداری کنند. این موضوع باعث توقف تعاملات اقتصادی اروپا با ایران و صفر شدن خرید نفت اروپا از ایران شد.

از این‌رو، فعال‌سازی مکانیسم ماشه از منظر اقتصادی اثر جدیدی ندارد؛ زیرا تحریم‌های ثانویه آمریکا پیش‌تر اجرا شده‌اند.

بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت مکانیسم ماشه موجب بازگشت شش قطعنامه پیشین شورای امنیت می‌شود؛ چهار مورد از آن‌ها، از جمله قطعنامه ۱۹۲۹، تحریم‌هایی مهم علیه ایران اعمال می‌کردند. این تحریم‌ها شامل:

- محدودیت‌های هسته‌ای و موشکی
- ممنوعیت تجارت سلاح‌های متعارف
- تحریم ورود و دارایی‌های افراد و نهادهای مرتبط با برنامه هسته‌ای و سپاه

ضمانت اجرای حقوقی مکانیسم ماشه

تحریم‌های شورای امنیت دو ویژگی مهم دارند:

۱. تحریم‌های کلیدی مانند بانکی و نفتی در آن‌ها یا وجود ندارد یا الزام‌آور نیست.

۲. ضمانت اجرای آن‌ها صرفاً بر مبنای حقوق بین‌الملل است.

در مقابل، تحریم‌های آمریکا اقتصادمحور و بر پایه هزینه-فایده اجرا می‌شوند و به دلیل نقش نظام مالی آمریکا، شرکت‌های جهانی از آن‌ها پیروی می‌کنند، نه از قطعنامه‌های شورای امنیت. بنابراین، پس از خروج آمریکا از برجام، حتی بدون بازگشت قطعنامه‌ها نیز شرکت‌ها ایران را کنار گذاشتند.

اهرم‌های ایران در برابر مکانیسم ماشه

مکانیسم ماشه در ظاهر اقدامی حقوقی است، اما در واقع ابزاری سیاسی برای افزایش فشار محسوب می‌شود. آمریکا و اروپا می‌کوشند از تهدید به عنوان اهرم امتیازگیری استفاده کنند؛ با این حال تهدید تنها زمانی مؤثر است که طرف مقابل واکنش نداشته باشد.

ایران امروز ابزارهای واکنش دارد و می‌تواند قواعد بازی را تغییر دهد. برخی از این اهرم‌ها عبارت‌اند از:

- موقعیت ژئوپلیتیکی ایران
- ذخایر عظیم نفت و گاز و امکان تأثیرگذاری بر بازار انرژی
- همکاری‌های راهبردی با چین و روسیه

• حضور در سازوکارهای منطقه‌ای مانند شانگهای و بریکس

ایران می‌تواند با تعمیق این همکاری‌ها، پروژه «انزوای تحمیلی» غرب را به انزوای غرب تبدیل کند.

هزینه‌سازی تحریم برای اروپا

اروپا گمان می‌کند فعال‌سازی

مکانیسم ماشه ایران را وادار به عقب‌نشینی می‌کند؛ این در حالی است که ایران با تکیه بر تجربیات ۱۰ سال گذشته و واقعیت‌های نظم جدید جهانی می‌تواند هزینه تحریم‌ها را برای اروپا افزایش دهد.

اروپا هنوز از تبعات زمستان سرد ۲۰۲۲ رها نشده است؛ ذخایر گاز کافی نیست و وابستگی شدید به LNG آمریکا هزینه‌های سنگینی بر دوش دولت‌ها گذاشته است. هرگونه تنش در خلیج فارس یا افزایش فشار بر ایران فوراً موجب افزایش قیمت انرژی و تورم در اروپا خواهد شد؛ امری که با توجه به نارضایتی‌های داخلی و بحران‌های سیاسی، تهدیدی جدی برای آن‌هاست. ابعاد حقوقی و مشروعیت مکانیسم ماشه

برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ مکانیسم ماشه را به عنوان ضمانتی حقوقی طراحی کرده‌اند، اما استفاده از آن مشروط به رعایت اصولی چون حسن‌نیت، تناسب و عدم سوءاستفاده از حق است.

سه کشور اروپایی در حالی به این سازوکار متوسل شدند که خود در اجرای تعهدات اقتصادی برجام، از جمله ایجاد سازوکار مالی اینستکس، ناکام مانده‌اند و تحت فشار تحریم‌های ثانویه آمریکا عقب‌نشینی کرده‌اند.

این رفتار:

- مصداق نقض اصل وفای به عهد (ماده ۲۶ کنوانسیون وین)،
- نمونه‌ای از استفاده ابزاری از حقوق بین‌الملل،

• و همراه با نقض اصول بنیادین منشور ملل متحد به دلیل حمایت از حمله اسرائیل به ایران است.

این تناقض‌ها مشروعیت ادعای اروپا درباره استفاده از مکانیسم ماشه را به شدت تضعیف می‌کند.



حمله هوایی رژیم صهیونیستی به دوحه، پایتخت قطر، در سپیده دم نهم سپتامبر سال ۲۰۲۵، نقطه عطفی بود که نه تنها فضا را برای تحولات امنیتی و سیاسی جدید خاورمیانه فراهم کرد، بلکه حکایتی است پیچیده و چندلایه از قدرت، سیاست، حقوق و استراتژی که آینده منطقه را دگرگون ساخت. این عملیات که با هدف ترور رهبران جنبش حماس و ضربه زدن به نیروی مقاومت فلسطینی انجام شد، نشان داد که اسرائیل از هر گونه محدودیت مرزی و سیاسی عبور کرده و حاضر است حتی در خاک کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، با هزینه های بالای سیاسی و حقوقی، به اهداف خود دست یابد.

حمله به دوحه شکاف عمیقی در باورهای سنتی امنیتی ایجاد کرد که بر اساس آن، حضور نظامی گسترده آمریکا در خلیج فارس به عنوان پشتوانه مطمئن امنیتی تلقی می شد. بر اساس گزارش های میدانی و ارزیابی های امنیتی، در ساعات پس از حمله، سامانه های ضد موشکی و راهکارهای دفاعی مستقر در قطر دچار اختلال جدی شدند و پاسخ دهی سریع و جامع به تهدید را ناکافی نشان دادند. این موضوع به شدت بحث تکیه بر راهبرد برون سپاری دفاعی را در کشورهای کوچک منطقه

«نقض حاکمیت در قلب خلیج فارس»

تحلیل حمله رژیم صهیونیستی به قطر

غزال شیرانی بیدآبادی | ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران

به چالش کشید و تأکیدی بر لزوم تقویت توانمندی‌های دفاعی داخلی از جمله توسعه سامانه‌های پدافندی ویژه منطقه‌ای شد. از نظر نظامی، تحلیل‌گران معتقدند که این حمله مبین عبور اسرائیل از خط قرمزهای مرزهای جغرافیایی و ورود به دوره‌ای جدید از عملیات‌های برون‌مرزی است که امنیت و ثبات منطقه را به شدت تهدید می‌کند. نیروهای محلی و گروه‌های مقاومت نیز واکنش‌های جدی نشان دادند که شامل افزایش آتش‌بس‌های معلق و تقویت همکاری نظامی با سایر کشورها، به ویژه ایران و سوریه بود.

این حمله، به یک چالش حقوقی پیچیده و بی‌سابقه در عرصه حقوق بین‌الملل تبدیل شد که ابعاد آن فراتر از صرف یک عملیات نظامی معمولی است. این واقعه که با ترور رهبران جنبش حماس همراه بود، نه تنها نقض آشکار اصول بنیادین منشور سازمان ملل متحد به شمار می‌رود، بلکه زمینه‌ساز درگیری‌های حقوقی، سیاسی و دیپلماتیکی فراوری جامعه جهانی قرار گرفت.

بر اساس ماده ۲ بند ۴ منشور سازمان ملل متحد، هیچ کشوری حق ندارد بدون رضایت کشور دیگر یا مجوز شورای امنیت از زور علیه آن استفاده کند. حمله اسرائیل به خاک قطر، که کشوری مستقل و عضو سازمان ملل است، با هدف قرار دادن دفتر سیاسی حماس در دوحه صورت گرفت و واضحاً نقض این اصل اساسی است. این اقدامات تجاوز به تمامیت ارضی و نقض حاکمیت ملی قطر را نشان می‌دهد. مطابق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، کشورهای عضو حق دفاع مشروع در برابر حمله مسلحانه را دارند. با این حال، هیچ سند قابل قبولی دال

بر وقوع حمله مسلحانه اولیه از قطر علیه اسرائیل وجود ندارد که بتواند این حمله را به عنوان دفاع مشروع توجیه کند. لذا این اقدام اسرائیل قابل توجیه از منظر حقوقی نیست و بیشتر به عنوان حمله تجاوزکارانه تلقی می‌شود. همچنین، حمله به منطقه‌ای که محل تجمع رهبران سیاسی و غیرنظامیان بوده، برخلاف اصول حقوق بشر دوستانه، از جمله اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی و اصل تناسب، محسوب می‌شود. در حالی که اسرائیل مدعی تلاش برای کاهش تلفات غیرنظامیان است، استفاده از چندین موشک در منطقه مسکونی این اصل را نقض می‌کند و می‌تواند مصداق جنایت جنگی باشد.

سازوکارهای حقوقی بین‌المللی و امکان پاسخ‌گویی:

۱. دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ): قطر حق دارد پرونده نقض حاکمیت خود را به دیوان ارجاع دهد، چه از طریق رضایت دوطرف و چه بر اساس حقوق عرفی.

۲. دیوان کیفری بین‌المللی (ICC): اگر نقض حقوق بشر و جنایت جنگی احراز شود، امکان پیگرد کیفری علیه مجریان وجود دارد، گرچه محدودیت‌های سیاسی و عدم عضویت کامل اسرائیل در ICC مانع جدی است.

۳. شورای امنیت سازمان ملل: می‌تواند اقدام سیاسی کند، اما حق وتو اعضای دائم شورای امنیت مانع اتخاذ تصمیمات قوی است.

۴. دادگاه‌های ملی و منطقه‌ای: امکان استفاده از دادگاه‌های غیر بین‌المللی و ملی در رسیدگی به جنایات جنگی نیز وجود دارد.

۵. فشارهای سیاست خارجی و تحریم‌ها: از جمله رویه‌های بسیار

متداول، اعمال فشارهای دیپلماتیک و تحریم‌های اقتصادی توسط کشورهای معترض و سازمان‌های بین‌المللی است. هدف، محدود کردن امکانات کشور متجاوز و تشویق به پایبندی به قوانین بین‌المللی است.

۶. نهادهای نظارتی و گزارشگری حقوق بشر: سازمان‌ها و معاهدات متعددی در عرصه حقوق بشر جهانی نظارت و گزارش‌دهی می‌کنند که می‌توانند نتایج تحقیقات مستقل را درباره اعمال تجاوزکارانه ارائه کرده و موجبات محکومیت و فشار بین‌المللی را فراهم کنند. مانند کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل یا سازمان‌های غیردولتی مهم.

حمله اسرائیل به قطر پیامدهای دیپلماتیک عمیقی بر روابط کشورهای خلیج فارس داشت که در چند محور اصلی قابل بررسی است:

۱. تضعیف نقش قطر به عنوان میانجی: عملیات اسرائیل باعث شد جایگاه قطر به عنوان میانجیگر کلیدی در بحران غزه و منطقه به شدت آسیب ببیند. امنیت داخلی قطر به خطر افتاد و مذاکرات آتش‌بس متوقف شدند. این خلا دیپلماسی در منطقه، جایگاه حیاتی قطر را به شدت متزلزل کرد و هیچ بازیگر دیگری حاضر یا قادر به پر کردن این جای خالی نشد.

۲. وحدت واکنش کشورهای شورای همکاری خلیج فارس: کشورهای حاشیه خلیج فارس حمله را محکوم کردند و واکنش‌های همسو از طریق سفر ولیعهد عربستان و امیر امارات به دوحه، تقویت همبستگی منطقه‌ای را نشان داد. این اتفاق یک پیام قوی به اسرائیل و حامیانش داد که تعرض به امنیت کشورها پذیرفته نیست و هرگونه اقدام مشابه می‌تواند به تشدید ائتلاف‌های

منطقه‌ای منجر شود.

۳. تضعیف روابط امنیتی آمریکا با متحدان: حمله باعث ایجاد تردیدها و نگرانی‌هایی در روابط نظامی-امنیتی آمریکا با کشورهای عضو شورای همکاری شد. برخی کشورها از جمله قطر به دلیل آسیب احتمالی به زیرساخت‌های نظامی، محدودیت‌هایی در همکاری دفاعی با آمریکا اعمال کردند که پیامدهای بزرگی برای امنیت جمعی منطقه دارد.

۴. بازنگری در روابط با اسرائیل: اگرچه بعضی کشورهای خلیج فارس نظیر امارات و بحرین روابط رسمی یا غیررسمی امنیتی با اسرائیل دارند، اما این حمله انتقادات داخلی و فراگیری را به دنبال داشته و باعث شده برخی از کشورهای منطقه در مورد عمق و نوع روابط خود با اسرائیل بازنگری کنند. احساسات ضداسرائیلی در افکار عمومی نیز افزایش یافته است و بر سیاستگذاری‌ها تأثیرگذار بوده است.

۵. تشدید تنش‌های منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی: حمله اسرائیل به قطر به افزایش قطب‌بندی‌ها و پیامدهای ناشی از رقابت ایران-اسرائیل دامن زد و به نوعی به تشدید تنش‌ها و پیچیده‌تر شدن بازی قدرت در خلیج فارس و فراتر از آن انجامید. این تحولات باعث شد کشورهای منطقه برای تضمین امنیت خود، به دنبال اتحادهای جدید یا تغییر رویکردهای دیپلماتیک باشند.

نتیجه گیری:

حمله اسرائیلی‌ها، در دامن مناقشات پیچیده حقیقی و حقوقی، از سوی برخی با استناد به حق دفاع مشروع در ماده ۵۱ منشور توجیه شده است؛ اما فقدان شواهد واقعی و قابل اعتنا مبنی بر حمله مسلحانه پیشین از سوی قطر یا گروه‌های منتسب به آن، این ادعا را به چالش کشیده و ماهیت واقعی عملیات را به عنوان اقدامی تهاجمی و خودسرانه آشکارتر می‌کند. چنین اقدامی، فاقد مشروعیت حقوقی است و جایی برای توجیه در قوانین بین‌الملل ندارد، اگرچه شواهد فراوان مبنی بر نقض صریح حقوق بین‌الملل در این حمله وجود دارد، فقدان ابزارهای اجرایی قوی و هماهنگ، این گونه تجاوزات را برای متجاوزان به صورت بالقوه سودآور ساخته است. فشارهای سیاسی و ساختارهای حقوقی موجود نمی‌توانند به تنهایی مانع چنین رفتارهایی شوند؛ بنابراین بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازسازی و تقویت نظام حقوقی بین‌الملل، تضمین‌های اجرایی و تقویت دیپلماسی چندجانبه و همکاری‌های منطقه‌ای هستیم.



ماجرای قانون حجاب

احسان بصرای دانشجوی الهیات



پس از وقایع سال ۱۴۰۱ و شکسته شدن مرزهای حریم و حجاب، دو دیدگاه شکل گرفت:

۱. دیدگاه نخست بر این باور بود که با جرمانگاری بی‌حجابی در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، دست پلیس برای برخورد باز است. بنابراین پلیس باید همانند سایر جرائم با ابتکار عمل وارد شود و طرح‌هایی مانند «طرح نور» نیروی انتظامی کفایت میکند. از این منظر، رفتن به دنبال قانون جدید بی‌فایده است و موجب اتلاف زمان خواهد شد؛ چه‌بسا به جامعه القا کند که تا تصویب قانون تازه، هیچ خبری نیست، هرچند واقعیت چنین نباشد.

۲. دیدگاه دوم معتقد بود که در زمینه‌ی حجاب نیاز به قانونی جدید است؛ قانونی که هم الزامات فرهنگی حجاب را در دستگاه‌های مختلف مشخص کند، هم بودجه‌ای معین برای آن در نظر بگیرد و هم فرآیند برخورد قضایی را به‌صورت پلکانی تدوین نماید تا هم بازدارنده باشد و هم در نهایت تعداد اندکی به دستگاه قضایی معرفی شوند.

در نهایت، دیدگاه دوم در مجلس شورای اسلامی دنبال شد و لایحه‌ی «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» - معروف به لایحه‌ی حجاب - پس از رفت‌وبرگشت‌های متعدد میان مجلس و شورای نگهبان، در ۷۴ ماده و ۵ فصل تنظیم و به قانون تبدیل شد.

یکی از ویژگی‌های این قانون، حذف گشت موسوم به «ارشاد» و جایگزینی آن با تذکر پیامکی بود؛ همچنین در صورت تکرار، جریمه مالی و در صورت تکرار چندباره، برخورد قضایی پیش‌بینی شد. به اعتقاد بسیاری، این شیوه مانع تولید خوراک رسانه‌ای برای دشمنان می‌شد.

این قانون در اواخر تابستان ۱۴۰۳ به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان رسید و آماده ابلاغ به دستگاه‌ها از سوی رئیس‌جمهور بود. اما دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی درخواست کرد که ابلاغ آن چند ماه به تأخیر بیفتد تا از هم‌زمانی با دومین سالگرد خانم امینی در پاییز ۱۴۰۳ جلوگیری شود و امکان سوءاستفاده برای ایجاد چالش امنیتی جدید فراهم نگردد.

اکنون، با گذشت از سومین سالگرد خانم امینی، این قانون همچنان ابلاغ نشده است! طبق قانون اساسی، در صورت استنکاف رئیس‌جمهور از ابلاغ قانون، وظیفه رئیس مجلس است که آن را به دستگاه‌های کشور ابلاغ کند. بنابراین این وظیفه بر عهده آقای دکتر قالیباف قرار گرفت؛ اما ایشان مدعی شد که چنین امکانی ندارد، زیرا همه اعضای شورای عالی امنیت ملی (از جمله خود او) اتفاق نظر داشته‌اند که ابلاغ و اجرای این قانون به صلاح نیست. چندی بعد، آقای دکتر جلیلی - نماینده مقام معظم رهبری در شورای عالی امنیت ملی - این ادعا را رد کرد. نکته‌ی مهم این است که مصوبات شورای عالی امنیت ملی با تأیید و امضای مقام معظم رهبری لازم‌الاجراست و نماینده ایشان در شورا، تأخیر در ابلاغ این قانون را مصوبه این شورا ندانسته است.

متأسفانه موضع رئیس‌جمهور محترم در اعلام عدم توانایی اجرای این قانون و مواضع مشابه، سبب شده است که برخی برداشت چراغ سبز نظام برای این حرام شرعی - سیاسی - اجتماعی را داشته باشند.

به هر صورت، زمانی که درباره یک لایحه پیشنهادی صحبت می‌شود، امکان اعلام نظر و سلیقه دستگاه‌های مختلف وجود دارد. اما هنگامی که لایحه به تصویب مجلس رسید، از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام - که خود دارای کمیسیون امنیتی است و مصالح امنیتی را در نظر می‌گیرد - تأیید شد، و شورای نگهبان نیز آن را مخالف شرع و قانون اساسی ندانست، دیگر جایی برای تأخیر در اجرا نمی‌ماند. حتی اگر به تشخیص دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، بیش از یک سال از زمان قانونی ابلاغ آن گذشته باشد تا حساسیت‌ها برطرف شود، اگر این حساسیت‌ها تاکنون برطرف نشده باشد، شاید اثر عکس هم داشته است. بنابراین باید آن را به مرحله اجرا سپرد و فشارها را پذیرفت، چرا که ارزش آن را دارد. اینطور نیست؟

عفاف و حجاب



امنیت خبرنگاران در جنگ ایران و اسرائیل

از دیدگاه حقوق بین الملل

غزال شیرانی | بیدآبادی | ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران

چکیده

حمایت از خبرنگاران در شرایط درگیری‌های مسلحانه، یکی از اصول مهم حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. خبرنگاران به دلیل نقش حیاتی در اطلاع‌رسانی، شفاف‌سازی عملکرد دولت‌ها و مستندسازی وقایع میدانی جنگ، اغلب با خطرانی مواجه هستند، که امنیت جانی و حرفه‌ای آن‌ها را تهدید می‌کند. در منازعه ایران و اسرائیل، با توجه به پیچیدگی‌های جنگ شناختی، سایبری و سیاسی، تهدید علیه خبرنگاران ابعاد گسترده‌ای یافته است. در این متن تلاش شده است تا با بررسی جایگاه حقوقی خبرنگاران، انواع تهدیدات موجود، مصادیق نقض حقوق بین‌الملل و شکاف‌های حقوقی موجود، چارچوبی تحلیلی برای فهم بهتر این موضوع ارائه گردد و پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت حمایت از خبرنگاران در شرایط جنگی ارائه شود.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، تحول شکل جنگ‌ها از درگیری‌های سنتی به درگیری‌های ترکیبی، شناختی و سایبری باعث شده است تا اشخاص غیرنظامی، از جمله خبرنگاران، بیش از پیش در معرض تهدیدات جدی قرار گیرند. خبرنگاران با حضور در مناطق جنگی یا پوشش دادن تحولات امنیتی و نظامی، نقشی بی‌بدیل در افشای واقعیت‌ها، مستندسازی نقض حقوق بشر و اطلاع‌رسانی مستقل ایفا می‌کنند. اما همین نقش، آن‌ها را به اهداف مستقیم یا غیرمستقیم حملات تبدیل می‌کند.

در مخاصمه میان ایران و اسرائیل، هرچند درگیری‌ها اغلب به صورت غیرمستقیم، غیرفرمال و از طریق ابزارهای اطلاعاتی و سایبری صورت می‌گیرد، اما تأثیر آن بر امنیت خبرنگاران و رسانه‌های رسمی و مستقل غیرقابل انکار است. تحلیل این وضعیت از منظر حقوق بین‌الملل می‌تواند به روشن شدن الزامات، تعهدات و کاستی‌های موجود در حمایت از این قشر منجر شود.

۱- جایگاه خبرنگاران در حقوق بین‌الملل

بشردوستانه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مجموعه‌ای از قواعد است که در شرایط مخاصمات مسلحانه به منظور کاهش آثار زیان‌بار جنگ برای افراد غیرنظامی وضع شده است. خبرنگاران از منظر این حقوق، مادامی که در عملیات خصمانه مشارکت مستقیم نداشته باشند، غیرنظامی محسوب شده و مورد حمایت ویژه قرار می‌گیرند.

ماده ۷۹ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون ژنو (۱۹۷۷) تصریح می‌کند که خبرنگاران باید همانند سایر غیرنظامیان مورد حمایت قرار گیرند و هدف حمله قرار نگیرند. همچنین ماده ۵۰ همین پروتکل، اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامیان را یکی از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه معرفی می‌کند که بر اساس آن، خبرنگاران به عنوان افراد غیرنظامی نباید هدف حملات نظامی قرار گیرند.

علاوه بر آن، قواعد عرفی بین‌المللی نیز این حمایت را تقویت می‌کنند. طبق قاعده ۳۴ از مجموعه قواعد عرفی

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، خبرنگارانی که در مأموریت‌های حرفه‌ای خبری در مناطق درگیری حضور دارند، باید مورد احترام قرار گرفته و حفاظت شود.

۲- تهدیدات متنوع علیه خبرنگاران در

مخاصمه ایران و اسرائیل

در منازعه میان ایران و اسرائیل، تهدید علیه خبرنگاران عمدتاً در سه سطح قابل تحلیل است:

الف) تهدیدات مستقیم (نظامی، سایبری، فیزیکی)

شامل اقداماتی مانند:

• حملات سایبری به سامانه‌ها و تجهیزات رسانه‌های رسمی

• قطع پخش زنده رسانه‌های داخلی از طریق اختلال الکترونیکی

• تهدید فیزیکی خبرنگاران در پوشش تحولات مرتبط با جنگ یا مسائل امنیتی

در صورتی که این اقدامات، به تأسیسات رسانه‌ای یا افراد غیرنظامی آسیب بزنند، مطابق ماده ۴۸ و ۵۱ پروتکل اول، نقض مستقیم حقوق بشردوستانه محسوب می‌شوند و

مسئولیت بین‌المللی به همراه دارند.

ب) تهدیدات شناختی و رسانه‌ای

این نوع تهدید شامل عملیات روانی، جعل اخبار، تحریف اطلاعات، حملات شناختی علیه شخصیت خبرنگاران و تلاش برای بی‌اعتبارسازی آن‌ها نزد افکار عمومی است. این اقدامات، اگرچه صراحتاً فیزیکی نیستند، اما آثار زیانباری بر امنیت شغلی، روانی و اجتماعی خبرنگاران دارند.

ج) فشارهای سیاسی، حقوقی و اقتصادی

از جمله تحریم رسانه‌ها، حذف آن‌ها از پلتفرم‌های جهانی، محدودسازی فعالیت خبری در نهادهای بین‌المللی یا اخراج خبرنگاران ایرانی از کشورهای خارجی. این موارد نه تنها ناقض آزادی بیان هستند، بلکه آزادی رسانه‌ها را در سطح بین‌المللی با چالش مواجه می‌کنند.

۳- حمله به رسانه ملی ایران: مطالعه موردی

در سال‌های اخیر، حملات سایبری و اطلاعاتی متعددی علیه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. این اقدامات شامل نفوذ به سامانه‌های داخلی، ارسال پیام‌های جعلی از بستر رسمی، اخلال در پخش برنامه‌های زنده، و حملات روانی علیه مجریان و خبرنگاران بوده است.

این حملات مصداق بارز نقض اصل تفکیک و اصل تناسب در حقوق بین‌الملل هستند. رسانه ملی، به عنوان نهادی غیرنظامی، نمی‌تواند به صرف فعالیت تبلیغاتی یا سیاسی، هدف نظامی تلقی شود، مگر آن‌که مشارکت مستقیم در عملیات نظامی داشته باشد، که در این مورد اثبات چنین امری بسیار دشوار است.

بر اساس قواعد حقوق بشردوستانه، تأسیسات غیرنظامی نظیر رسانه‌ها و زیرساخت‌های اطلاعاتی باید مورد احترام قرار گیرند و هرگونه حمله به آن‌ها تنها در صورت احراز ضرورت نظامی و رعایت تناسب مجاز است.

۴- نارسایی‌های حقوقی در نظام مسئولیت بین‌المللی

با وجود آنکه اسناد متعددی از جمله پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون ژنو، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و قطعنامه‌های شورای امنیت بر حمایت از خبرنگاران تأکید دارند، اما چند مانع جدی در مسیر تحقق عملی این حمایت‌ها وجود دارد:

- نبود نهاد تخصصی دائمی برای پیگیری فوری حملات علیه خبرنگاران
 - خلأ در تعریف جامع و جهان‌شمول از "خبرنگار" در سطح حقوقی
 - استفاده ابزاری از سازوکارهای بین‌المللی به دلیل ملاحظات سیاسی
 - نبود ضمانت اجرای مؤثر علیه دولت‌های ناقض.
- این موارد باعث شده‌اند که خبرنگاران، به‌ویژه در کشورهایی که درگیر منازعه‌های منطقه‌ای هستند، بدون پناهگاه حقوقی مؤثر باقی بمانند.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

جنگ ترکیبی ایران و اسرائیل نمونه‌ای روشن از تحول در الگوهای جنگ مدرن است؛ جایی که رسانه‌ها و خبرنگاران نه تنها ابزار روایت‌سازی، بلکه خود به میدان نبرد تبدیل شده‌اند. در چنین شرایطی، تقویت حمایت حقوقی از خبرنگاران نیازمند اقدامات فوری و اصلاحات ساختاری در نظام بین‌الملل است. پیشنهادات:

۱- تدوین پروتکل الحاقی جدید با تمرکز بر خبرنگاران و رسانه‌ها در مخاصمات غیرفرمال

۲- ایجاد کمیته حقیقت‌یاب بین‌المللی برای مستندسازی حملات علیه رسانه‌ها

لغو انحصاری
به علم

سرود اراده

محمدعلی خوش اخلاق

هر ملتی برای ماندن و بالیدن، به نیرویی فراتر از ابزار و سلاح نیاز دارد؛ به چراغی که راه آینده را روشن کند و در میان طوفان‌ها، امید را در دل‌ها زنده نگه دارد. این چراغ، همان علمی است که با روح انسان پیوند می‌خورد، از ایمان و اراده جان می‌گیرد و به سلاحی بدل می‌شود که نه تنها جسم، بلکه جان‌ها را نیز نیرومند می‌سازد. تاریخ ما نشان داده است که هرگاه علم از بطن ایمان برخاسته، توانسته دیوارهای بزرگ سلطه را بشکند و افق‌هایی تازه پیش چشم ما بگشاید. آنچه در این صفحات می‌خوانید، سرودی است از جنس همین حقیقت؛ سرود اراده‌ای که علم را با ایمان گره زد و آن را به پرچمی برای استقلال و کرامت بدل کرد.

علم

آری، علم؛ اما نه آن علم سرد و بی‌روحي که در برج‌های شیشه‌ای غرب، در آزمایشگاه‌ها و دانشگاه‌های دورافتاده ساخته می‌شود و تنها دیوارهای بلند و بی‌جان تمدن مدرن را روشن می‌کند؛ علمی که انسان را از آسمان جدا می‌سازد و در میان آهن و محاسبات، به زندانی‌ای دور از حقیقت و معنا بدل می‌کند.

اما در این سرزمین، علم معنایی دیگر دارد؛ علمی که در دل آتش و ایمان زاده می‌شود، در بطن جهاد و ایثار شکل می‌گیرد و از نیاز انسان به استقلال، کرامت و حقیقت سربرمی‌آورد. انقلاب اسلامی آمد تا این علم را آزاد کند؛ آزاد از زنجیرهای سکولاریسم سرد و بی‌روح غرب، تا به فانوسی تبدیل شود که مسیر ملت را در تاریکی‌ها روشن سازد و نشان دهد انسان مؤمن، با اتکا به ایمان و پشتکار، می‌تواند بر هر مانع و تهدیدی پیروز شود؛ مستقل بیندیشد، مستقل عمل کند و مستقل زندگی کند.



دانشگاه‌های ما دیگر محل یادگیری صرف نبودند؛ به سنگر تبدیل شدند. به معبدی که در آن پژوهش و تفکر، در مسیر جهاد و خدمت به انسان متعالی معنا می‌یافت. آزمایشگاه‌ها تنها محل آزمودن مواد و فناوری‌ها نبودند؛ بلکه گذرگاهی بودند که علم و ایمان را به هم پیوند می‌زدند. فناوری دیگر ابزار قدرت و سلطه نبود؛ وسیله‌ای بود برای دفاع از حقیقت و کرامت انسان. هر سانتیفریوژ، هر موشک، هر پژوهش علمی، پیام‌آور این حقیقت بود که انسان مؤمن می‌تواند و هیچ تهدیدی قادر به متوقف کردن او نیست.

علم زیستِ جمعی ماست

راهی که پیمودیم، تنها یک مسیر علمی یا تکنولوژیک نبود؛ تجربه‌ای از جنس زیست جمعی بود. ما در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها آموختیم که علم، وقتی از دل یک ملت برخیزد، نه فقط ابزاری برای حل مسئله، بلکه بخشی از هویت و معنای زندگی می‌شود. آنچه ساخته شد، تنها دستگاه‌ها یا فناوری‌ها نبود؛ بلکه شبکه‌ای از اعتماد، همکاری و همدلی میان نسل‌ها بود؛ از استادانی که در سخت‌ترین شرایط کلاس‌ها را تعطیل نکردند تا دانشجویانی که در دل ناامیدی‌ها به پژوهش ادامه دادند. این تجربه نشان داد که «علم بومی» فقط به معنای تولید دانش در مرزهای یک کشور نیست، بلکه یعنی دانشی آمیخته با رنج، امید و ایمان یک ملت. همین آمیختگی است که آن را ریشه‌دار و ماندگار می‌کند. ارزش علم تنها در مقاله‌ها و اختراعات خلاصه نمی‌شود؛ ارزش حقیقی آن در فرآیندی نهفته است که انسان‌ها را دگرگون می‌سازد. دانشمندی که در آزمایشگاه کوچک خود با کمترین امکانات به جست‌وجوی پاسخ می‌پردازد، در حقیقت صبر، خلاقیت و اراده را تمرین می‌کند. دانشجویی که در برابر وسوسه ترک مسیر می‌ایستد و سال‌ها عمر خود را صرف مطالعه می‌کند، نه فقط یک پژوهشگر، که حامل بخشی از حافظه و آینده جمعی ملت است.

علم؛ سرمایه‌ای فرهنگی و اخلاقی

علم در این سرزمین معنایی دوچندان دارد: هم ابزاری برای پیشرفت مادی است و هم روایت‌گر تاریخ مقاومت. هر دستاورد علمی - کوچک یا بزرگ - داستانی از ایستادگی و عبور از محدودیت‌ها با خود حمل می‌کند. پشت هر پروژه موفق، شب‌های بی‌خوابی، شکست‌های پیاپی و امیدی نهفته است که فراتر از مرزهای دانشگاه، به زندگی یک جامعه سرایت می‌کند.

در اینجا علم از یک «موضوع تخصصی» فراتر می‌رود و به «سرمایه‌ای فرهنگی و اخلاقی» بدل می‌شود؛ سرمایه‌ای که نسل به نسل منتقل می‌گردد و نه تنها برای تولید فناوری، بلکه برای حفظ کرامت، استقلال و معنا به کار می‌آید.

دشمنان ما - از جمله اسرائیل - از همین علم و همین اراده می‌ترسند. آنان می‌دانند که رویارویی با ما تنها با بمب و موشک ممکن نیست، چرا که پشت این علم، اراده‌ای است شکل‌گرفته از ایمان ملت، خون شهیدان و سال‌ها جهاد و مقاومت. این اراده، سرود ملت ماست؛ سرودی که با کلمات تنها سروده نمی‌شود، بلکه با عمل، با مقاومت، با خلق علم و فناوری و با پاسداشت استقلال و عزت ملی طنین می‌اندازد.

این سرود، سرود اراده است؛ سرودی که خاموش‌کردنی نیست و هیچ قدرتی نمی‌تواند آن را از میان بردارد.

مسیر پیشرفت

مبینا کرداریان | دانشجوی پرستاری

جلسه دانشجویان فعال با حضور جناب آقای دکتر فرید نعیمی، ریاست محترم دانشگاه آزاد نجف آباد، و جمعی از معاونین در راستای ارتقای حوزه‌های فعال دانشگاه در تاریخ ۶ مهر ۱۴۰۴ با حضور بیش از سی نفر از نمایندگان دانشجویان در حوزه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی برگزار شد. هدف از برگزاری این جلسه، مطرح کردن مشکلات و موانع از زبان دانشجویان و ارائه راهکارهای مفید جهت بهتر شدن فعالیت‌ها بود. ریاست محترم دانشگاه با ایجاد فضایی صمیمانه و گرم پاسخگوی مشکلات دانشجویان بود. همچنین ایشان با بهره‌گیری از تجربیات علمی خود پیشنهادهایی کارآمد در جهت بهبود عملکرد نمایندگان فعال در زمینه‌های مختلف ارائه داد و ضمن پاسخگویی به سوالات متعدد دانشجویان بر اهمیت بکارگیری دانشجویان جدید الورد تاکید کرد.

این جلسه با تاثیر مثبت در روند حوزه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی نقطه مناسبی برای ارتقای فعالیت‌های دانشگاه شد. بسیاری از شرکت کنندگان این جلسه اشاره کردند که این جلسه توانسته است بعضی از موانع و مشکلات موجود را حل کند.





به خویشتن سفر کن!

میینا محسنی | دانشجوی رشته علوم قضایی

درون آینه‌ی روبه‌رو چه می‌بینی؟
تو ترجمان جهانی، بگو چه می‌بینی؟
گاهی گمان می‌کنیم میان کتب روان‌شناسی و دوره‌های
گونگون، راهی برای رسیدن به خویشتن وجود دارد...
اما حقیقت، فراتر از این است.

انسان به خویش می‌رسد در «مواجهه»!
همه‌ی ما درون وجود پرزرق‌وبرق خویش، بخشی
تاریک را نهفته‌ایم که در جست‌وجوی کشفش، خود را
گم کرده‌ایم.
ساده‌تر بگوییم: همه‌ی ما کامل‌ایم از خوبی‌ها و بدی‌ها؛
و شناخت این بخش‌ها، زمانی میسر می‌شود که ارتباط پیشه
کنیم.
زمانی تاریکی درون خویش را درمی‌یابیم که آستانه‌ی خشم‌مان
توسط دیگری آزموده شود.

اشتباه نکنیم؛ خشم، ذاتاً احساس ناپسندی نیست!
اما نحوه‌ی بروز آن است که نشان می‌دهد تا چه اندازه به «بلوغ هیجانی»
رسیده‌ایم.

آنگاه که خویش را در عرصه‌ی عمل محک بزنیم، خواهیم دانست کدام بخش
وجودمان توانمند است و کدام بخش نیاز به رشد دارد.
باید خود را در عمل بسنجیم.

درون‌گراییم یا برون‌گرا؟
باید هم تنهایی را تجربه کنیم و هم جمع را، تا دریابیم از تنهایی انرژی می‌گیریم
یا از هم‌جواری با انسان‌هاست که شوق زیستن در ما زنده می‌شود.
باید پای در عرصه‌ی عمل بنهیم تا دریابیم درون آینه‌ی روبه‌رو چه می‌بینیم!
باید مواجه شویم تا بدانیم جهان را چگونه ترجمه می‌کنیم!
باید مواجه شویم تا بفهمیم چه زمانی بهره‌وری داریم و چه وقت، زمان
استراحت است.

پس اگر بپرسند: «چگونه به خود برسیم؟»
می‌گوییم: از اقدام آغاز کن، و سپس با دقت بنگر که چگونه عمل کرده‌ای.
در این راه پرفراز و نشیب، پیشنهاد می‌کنم از آزمون‌های شناخت خویش غافل
نشوی؛

آزمون‌های شخصیتی MBTI و DISC می‌توانند چراغ راهت باشند.
اگر ویژگی‌ای در تو نامطلوب به نظر می‌رسد، مسیر مطلوب را خواهی یافت؛ فقط
کافی‌ست ببینی و بدانی آن ویژگی کارآمد نیست.

اما هرگز خویش ارزشمندت را بابت آنچه در گذشته انجام داده‌ای، سرزنش نکن؛
آن، تمام چیزی بود که «تو» در آن زمان می‌دانستی و می‌توانستی.
فراموش نکن با خویش مهربان باشی.

فراموش نکن دوست بی‌چون‌وچرای خود باشی، یار خود باشی، و اجازه ندهی
نجوای درون، غباری بر دیباچه‌ی آینه‌ی وجودت بیفکند.

آنچه را مطلوب می‌شماری، با دقت دنبال کن و بر آن متمرکز بمان.
به قول شیرین جناب عطار:

تو پای در راه نه و هیچ مپرس، خود راه بگویدت که چون باید رفت.

پناهگاه امن عالم

زهرا سادات موسوی | دانشجوی پزشکی

اللهم صل على فاطمة و ابیها و بعلمها و بنیها
والسر المستودع فیها بعدد ما احاط به علمک.

بوی بهشت زمین را معطر کرده بود و فرشتگان بر بام خانه خدیجه سلام الله علیها به انتظار ایستاده بودند. قلب پیامبرمان لبریز از شادی بود چرا که خداوند ریحانه خلقت، خانم فاطمه سلام الله علیها را به ایشان بخشیده بود. او آمده بود تا دامن پاکش گهواره ی دو سرور جوانان اهل بهشت شود. او مادر زینب سلام الله علیها بود و چه زیبا پرورش داد دختری را که آئینه تمام نمای مادر بود؛ بانویی که درس صلابت و شکوه را در دامن فاطمه سلام الله علیها آموخت و با ندای «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا» ستون های کاخ ابن زیاد ملعون را به لرزه درآورد. سلام خدا بر تو باد ای الگوی زینب های تاریخ. فاطمه سلام الله علیها تصویری الهی از عظمت زن بود. او نشان داد که بالاترین مقامات معنوی و علمی، نه تنها منافاتی با عقیقانه ترین حریم های انسانی و مادرانه ندارد بلکه یکدیگر را کامل می کنند. زن اگر در مسیر فاطمی گام بردارد می تواند چنان اوج گیرد که «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» درباره اش نازل شود.

مقام زن در پرتو وجود فاطمه سلام الله علیها معنا می یابد؛

فاطمه سلام الله علیها سبب برکت و رحمت خانه و چشمه جاری محبت بود. او ام ابیها بود؛ مادر پدر. چه مقام بلندی! مقامی که دختر، مادر مهربانی های پدر شود. پیامبر اکرم (ص) میفرمایند: یا علی! إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ مَرَّةٌ فَوَادِي؛ علی جان! فاطمه (س) پاره تن من و نور چشم من و میوه دل من می باشد. (۱)

آنگاه که او را به عقد علی علیه السلام درآوردند، ملائک شاهد پاک ترین پیوند آسمانی بودند. بانویی که در جایگاه همسر پشتیبان راه حق می شود و خانه را از «سقف و دیوار» فراتر برده، به «آشیانه آرامش و ایمان» بدل می کند. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: «... ولقد كنت انظر اليها فتكتشف عني الهموم والاحزان؛ و من هرگاه به فاطمه علیها السلام نگاه می کردم، غم و اندوه از من زدوده می شد.» (۲)

مادری، هنر اعجاب انگیز خلقت است. زن در مقام مادر اگر فاطمه گونه عمل کند، میتواند نسل را به سوی نور هدایت کند. فاطمه سلام الله علیها «مادر» همه عالم است؛ مادری که بشریت را به سوی نور هدایت میکند.

حضور او در جامعه، کرامت یک زن مسلمان را به تصویر میکشید. تاریخ هنوز در بهت شکوه آن سخنانی مانده است؛ آن خطبه آتشینی که مادر برای دفاع از حریم ولایت و حق مولا علی علیه السلام پشت در مسجد ایراد فرمود. او نشان داد که عفت، مانع حضور در اجتماع نیست بلکه شرط اصالت و تاثیرگذاری آن است.

بانوی دو عالم

باشد که تا ابد در پناه مهر مادری شما باشیم،

پرچم ولایت شما بر فراز سر ما گسترده باشد

و روز قیامت در زمره شیعیان راستین شما محشور شویم.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِفَرَحِ فَاطِمَةَ الرَّهَاءِ (س)

وَ يَحْزَنُونَ لِحَزْنِهَا

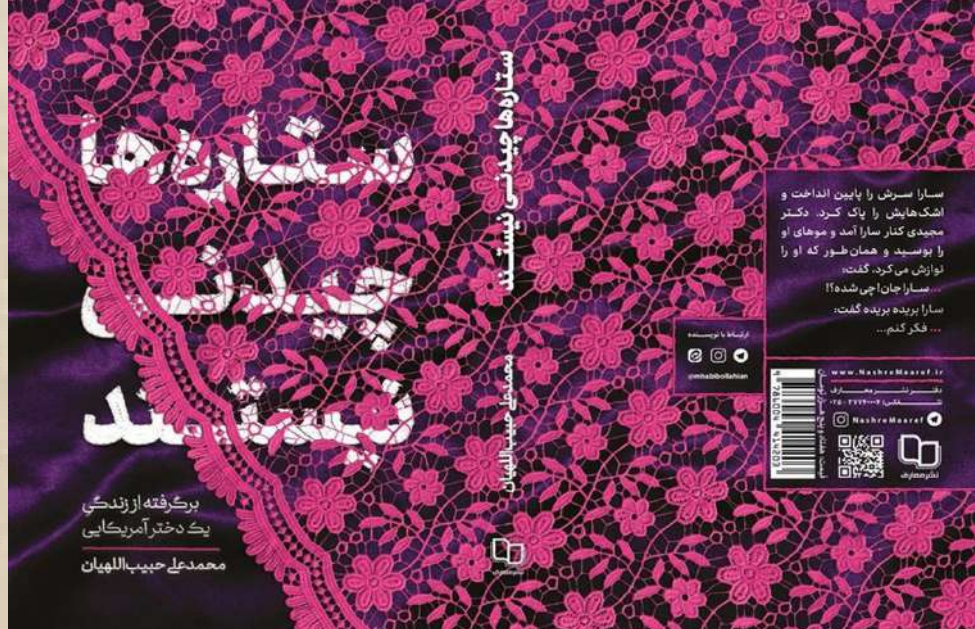
وَ اشْفَعْهَا فِيْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

میلا و ریحانه النبی، کوثر بی کرانه بانوی بهشت و اسوه تمام عیار

خوبی ها بر همگان مبارک باد .

(۱) روضة الواعظین، ص ۱۵۰

(۲) بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴



نگاهی به يك اثر ماندگار؛ معرفی کتب ستاره‌ها چیدنی نیستند

هانیه زمانی | دانشجوی مترجمی زبان انگلیسی

نویسنده در نقطه مقابل، تصویری مثبت و انسانی از جایگاه زن ارائه می‌دهد؛ نگاهی که زن را مکمل مرد، پایه‌گذار تربیت نسل انسانی و عنصر کلیدی سامان جامعه می‌داند. برای نمونه، نقل‌قولی از ولتر در کتاب می‌آید: «زن آفریده شد تا شیرازه‌ی سعادت و ارتقای موجودات پیوسته بماند.»

تفاوت دو نگاه به زن از دید شخصیت اصلی

سارا با آشنایی با این دو نگرش متفاوت متوجه می‌شود که میان این دو تصویر، اختلافی عمیق و بنیادین وجود دارد و این تفاوت‌ها دست‌کم در ۱۴ حوزه‌ی اصلی قابل بررسی است. یکی از مهم‌ترین این حوزه‌ها، مسئله‌ی پوشش زنان است.

از آنجا که روایت در فضای جامعه آمریکا رخ می‌دهد، مباحث کتاب فراتر از مرزهای دینی و ملی، و مبتنی بر داده‌ها و استدلال‌های اجتماعی و علمی ارائه شده‌اند.

یکی از جذاب‌ترین بخش‌های کتاب، گفت‌وگوها و نکات مستند دکتر مجیدی است که در جلسات «برای همه‌ی خانم‌های دنیا» ارائه می‌شود. استندهای علمی و تاریخی مطرح‌شده، کتاب را برای طیف وسیعی از مخاطبان—به‌ویژه علاقه‌مندان به پژوهش در حوزه حجاب و مسائل زنان—اثرگذار و خواندنی می‌کند.

در پایان کتاب، نویسنده به جمله‌ای برجسته از آیت‌الله بهجت اشاره می‌کند که به‌نوعی پیام اصلی کتاب را خلاصه می‌کند:

«ما به این دنیا آمده‌ایم تا قیمت پیدا کنیم، نه اینکه به هر قیمتی زندگی کنیم.»

این جمله، نقطه پایانی قوی برای اثری است که تلاش دارد مخاطب را به اندیشیدن درباره ارزش‌ها، انتخاب‌ها و هویت زنانه دعوت کند. امید است مطالعه‌ی این کتاب، نگاه خوانندگان را به مسئله‌ی حجاب و کرامت زن عمیق‌تر و روشن‌تر سازد.

کتاب «ستاره‌ها چیدنی نیستند» اثری است که هر فصل آن مانند یک کلاس درس و گفت‌وگوی اندیشمندانه شکل گرفته است؛ تلفیقی از روایت داستانی و واقعیت‌های اجتماعی. این اثر با الهام از زندگی یک دختر آمریکایی فعال در حوزه‌ی حقوق زنان نوشته شده و تلاش دارد مخاطب را در مسیر پرسشگری همراه کند.

داستان کتاب حول محور شخصیت سارا، دختر آمریکایی جوانی شکل می‌گیرد که در یک مؤسسه حقوق بشری در آمریکا فعالیت می‌کند. این مؤسسه با شعار حمایت از زنان مسلمان، تصویری مخدوش و یک‌سویه از حجاب ارائه می‌دهد. همین نگاه، سارا را با سلسله‌ای از پرسش‌ها و تضادهای ذهنی روبه‌رو می‌کند. او همراه دوستش ماشا برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها به مرکز مطالعات اسلامی نیویورک مراجعه می‌کند؛ جایی که با جلسات «برای همه‌ی خانم‌های دنیا» آشنا می‌شوند.

شایان ذکر است که این کتاب از جمله آثاری بود که در بازدید رهبر انقلاب از سی‌وچهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران توسط ایشان توروک شد؛ موضوعی که اهمیت اجتماعی این کتاب را دوچندان می‌کند.

موضوع محوری کتاب

«ستاره‌ها چیدنی نیستند» تلاش دارد مسئله‌ی حجاب را از دو منظر مورد بررسی قرار دهد:

۱. آیا حجاب آزادی را از زنان می‌گیرد؟

۲. یا آن‌گونه که نویسنده مطرح می‌کند، می‌تواند عاملی برای عزت، امنیت و کرامت بیشتر زنان باشد؟

در کنار این پرسش‌ها، نویسنده با نگاهی تاریخی، چرایی شکل‌گیری نگاه فرودستانه به زنان در طول قرن‌ها را واکاوی می‌کند و می‌کوشد نشان دهد چگونه تصویر زن در برخی جوامع لگدمال شده است؛ به‌گونه‌ای که حتی تا چند دهه پیش، حقوق ابتدایی چون حق رأی، حق مالکیت اقتصادی و حق تحصیل برای زنان به رسمیت شناخته نمی‌شد.



روز پرستار مبارك

مبینا کرداریان | دانشجوی پرستاری

پرستاری فقط یک شغل نیست؛ پرستار کسی است که با صبر و مهربانی، درد و نگرانی بیماران را کم می‌کند. هر حرکت و تصمیم او می‌تواند بر زندگی یک انسان تاثیر بگذارد، و همین باعث می‌شود که علم و تجربه با قلب مهربانش همراه شود. آن‌ها با حضورشان آرامش می‌آفرینند، و با دانش و دقت‌شان زندگی بیماران را نجات می‌دهند. یک لبخند او می‌تواند امید به زندگی یک بیمار را چندین برابر کند. او با دستان خود علاوه بر زندگی بخشیدن به جسم، روح بیماران را نیز نوازش میکند و همچون مادری دلسوز صبورانه تلاش میکند. روز پرستار، همزمان با ولادت حضرت زینب (سلام‌الله علیها) است؛ کسی که نماد صبر، شجاعت و فداکاری است. پرستاران نیز با صبر و دلسوزی‌شان، مانند حضرت زینب، دل‌ها را آرام می‌کنند و امید را در دل بیماران روشن نگه می‌دارند. از همه پرستاران متعهد سپاسگزاریم؛ برای شب‌هایی که بیدار ماندند، برای خستگی‌هایی که تحمل کردند و برای امید و آرامشی که به بیماران و خانواده‌ها هدیه دادند. اگر پرستار نبود هیچ بیماری بهبود پیدا نمی‌کرد. شما با دانش و علم خود زندگی‌های زیادی را روشن می‌کنید و خاطره‌ای ماندگار می‌سازید.

پیشینه ادب و شعر فارسی / بخش دوم

کتایون بهارلویی | دانشجوی دکتری ادبیات غنایی

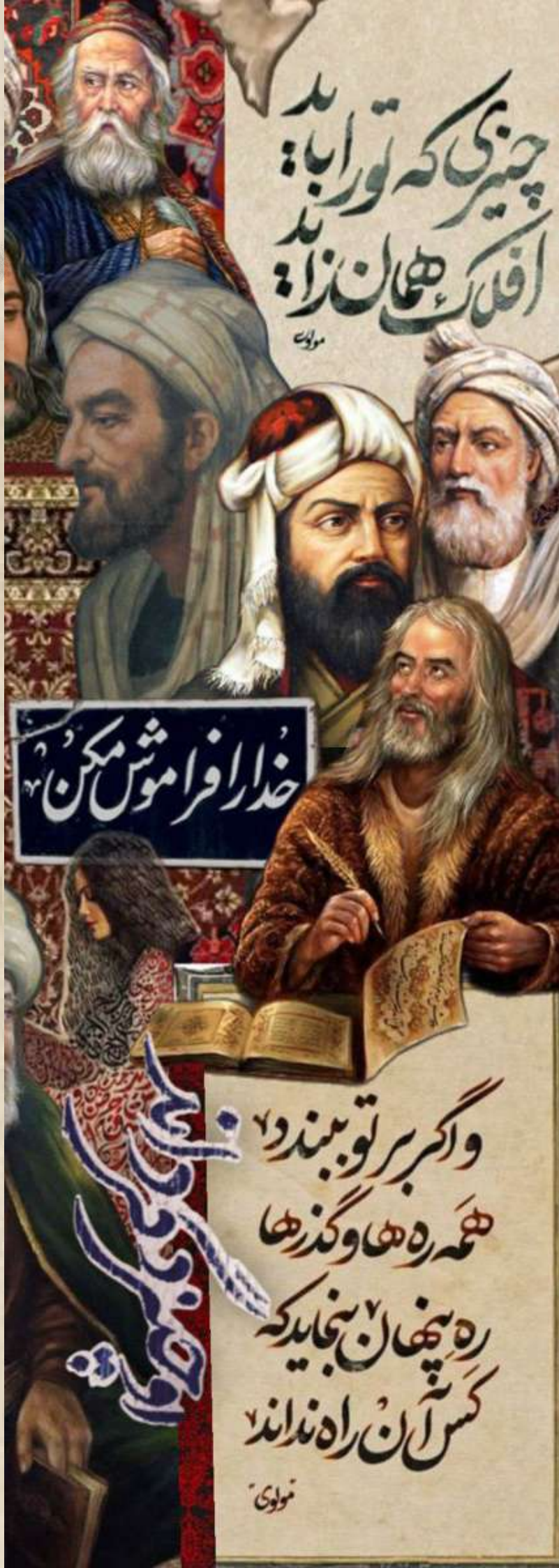
مقدمه

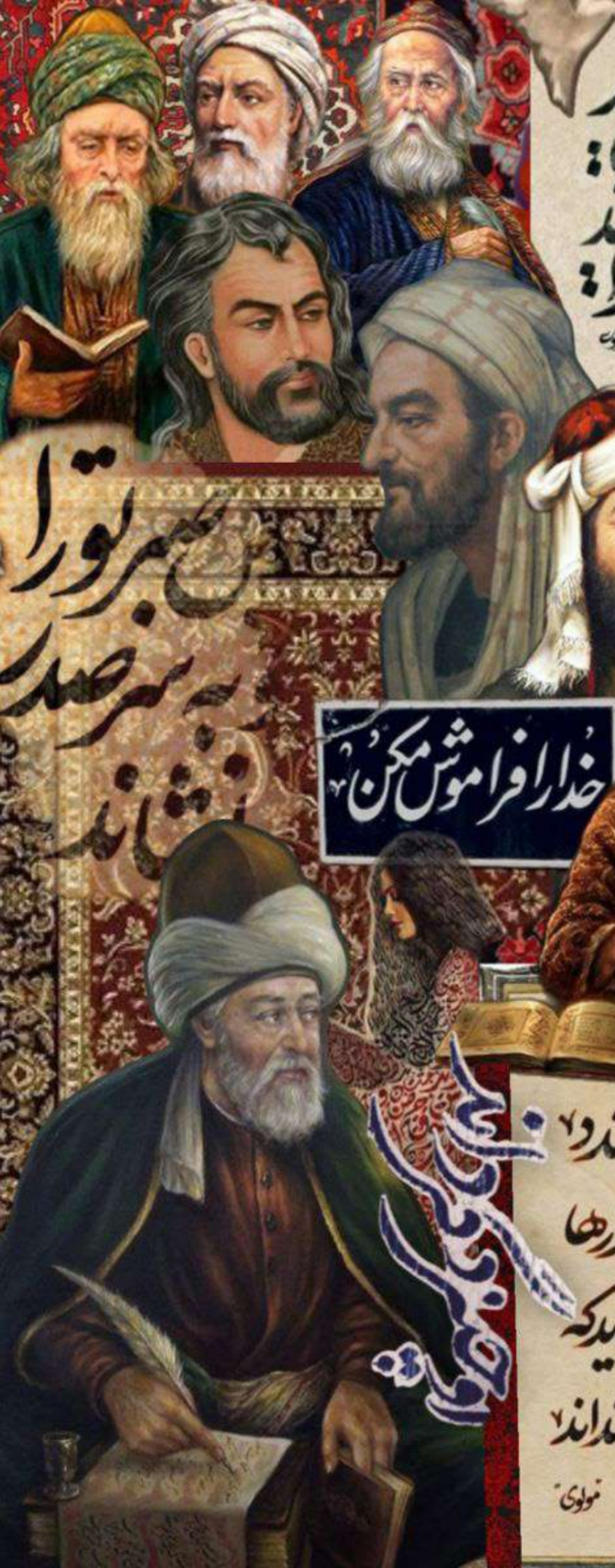
در شماره قبل نشریه، در بخش اول این مطلب گفتیم زبان فارسی امروزی، از پارسی باستان سرچشمه گرفته است. پارسی باستان، زبان رسمی شاهنشاهی هخامنشی بود، و در گذر زمان با تغییرات بسیاری به صورت فارسی میانه درآمد. سپس پارسی میانه، به عنوان زبان رسمی و دینی حکومت ساسانی درآمد، بعد در مناطق دیگر ایران گسترش بسیاری یافت و پس از ورود اسلام به ایران، فارسی وارد دوره نوین شد که تا به امروز ادامه دارد. طبق اسناد موجود، زبان فارسی «تنها زبان ایرانی» است که سه دوره آن (پیش از اسلام، بعد از اسلام، معاصر)، همگی نمایانگر یک زبان هستند که همان زبان فارسی است. زبان فارسی با ورود اسلام به ایران، با برخی کلمات عربی درهم آمیخته شد و فارسی دری نام گرفت. زبانی که امروزه با آن صحبت می کنند ادامه زبان فارسی دری است.

آثار به زبان فارسی، ابتدا به صورت شفاهی بودند سپس در زمان هخامنشیان با خطی میخی به صورت مکتوب درآمدند که سنگ نبشه هایی به این خط در بیستون، تخت جمشید، نقش رستم و جاهای دیگر ایران باقی مانده است. برخی از این آثار را نوعی شعر و سخن منظوم تشخیص داده اند، اما ادبیات مکتوب و رسمی ایران به عهد زردشت و کتاب آئین وی (اوستا) بازمی گردد که در ادبیات پس از ورود اسلام به ایران تأثیر گذار بوده و به شکل گسترده ای ادامه یافت. نمونه بارز آن داستانهای حماسی است که در شاهنامه فردوسی آمده اند. و بعد زبان و ادبیات فارسی با تأثیرپذیری از زبان و ادبیات عربی، آیین میترایی، و از رهگذر ارتباط با سرچشمه های ادبیات یونانی، تحول جدیدی یافت.

آغاز «فارسی نوین»

«فارسی نو» یا «فارسی نوین» واپسین گونه زبان فارسی به شمار می رود و در زمان حکومت عباسیان (یکی از حکومت های عربی در ایران بعد از اسلام)، جایگزین فارسی میانه شد. فارسی نو به سه دوره آغازین، کلاسیک و امروزی بخش پذیر است. خلفای اموی در تمام قلمرو حکومت خویش، استفاده از زبان





عربی را اجباری اعلام کردند. و نویسندگان و دبیران درباری ایرانی، برای نوشتن متون و اسناد خود مجبور شدند از دو زبان فارسی و عربی استفاده کنند.

پس از پیروزی اعراب در ایران، فارسی گفتاری همچنان به سوی خاور پیش رفت و به وسیله سپاهیان و بازرگانان به فرارود و افغانستان کنونی رسید. برای فاتحان عرب، فارسی، بسیار بیشتر از عربی، زبان تبلیغ و نشر اسلام در میان مردم این نواحی بود. از همین رو سرانجام فارسی جانشین زبان‌های محلی از جمله سغدی و دیگر گویش‌ها شد؛ و در همین مناطق، در مرزهای خاوری ایران، بود که فارسی زبان ادبی این جوامع گردید.

پس از انقراض حکومت اعراب، زندگی ملی ایرانیان حیاتی دوباره یافت و ایرانیان پایه‌های نوزایی را در زبان خود بنا نهادند. فارسی نو، به عنوان یک زبان مستقل برای نخستین بار در بلخ از طریق اقتباس از گونه گفتاری پارسی میانه دربار ساسانی به نام پارسی دری پدیدار شد. گهواره نوزایی ادبی فارسی در شرق ایران در سیستان، خراسان و فرارود (افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان امروزی) بود. بنابراین واژگان فارسی نو، به شدت از زبان‌های ایرانی شرقی، به ویژه سغدی، تأثیر پذیرفت.

توانمندی ادبی زبان فارسی این زمینه را فراهم کرد تا تدریجاً زبان معیار برای مردمی شود که به واسطه تفاوت‌های لهجه‌ای و زبانی، توان ارتباط برقرار کردن با یکدیگر را نداشتند. عصر سامانیان در نیمه نخست قرن چهارم هجری، دوران شکوفایی و نوزایی زبان و ادب فارسی است. امیران آل سامان از دهقانان ایرانی و اشراف خراسان بودند. خراسانی که همواره در دست والیان عرب و چهار هرج و مرج و آشفتگی بود در زمان سامانیان به امنیت، آرامش و رفاهی بی‌سابقه دست یافت. پایبندی این خاندان به سنت‌های کهن ایرانی و حمایت از عالمان و دانشمندان، موجب رشد و شکوفایی علم و فرهنگ و پرورش دانشمندان در خراسان بزرگ شد. زبان فارسی در این دوره، زندگی را از سر می‌گیرد و بازار آثار منظوم و منثور فارسی و ترجمه آثار علمی و ادبی به این زبان رونق و گسترش بسیار می‌یابد. اروپاییان این دوره را «رنسانس» یا عصر طلایی شعر و ادب فارسی نامیده‌اند. صفاریان نخستین حکومت ایرانی بودند که به اهمیت زبان فارسی پی بردند و آن را وسیله‌ای برای حفظ وحدت قومی و ملی



ساختاری» فارسی در نظر گرفته می‌شوند. به هر حال از این زمان به بعد، فارسی نو آغازین، برای گویشوران فارسی امروزی تا حد زیادی قابل درک و فهم است، زیرا ساختار واژگانش تاکنون نسبتاً پایدار مانده‌اند.

در دوره غزنویان، عنصری بلخی، عسجدی، ناصر خسرو، قطران تبریزی، فرخی سیستانی و منوچهری شعر پارسی سبک خراسانی را به کمال رسانیدند و ابو نصر مشکان نویسنده مکتوبات درباری (عصر غزنویان)، سبکی نو در نثر پدید آورد. و بعد شاگرد وی ابوالفضل بیهقی، کتاب تاریخ بیهقی را در مورد غزنویان با همان نثر نوشت که یکی از آثار ارزشمند ادب فارسی است.

در زمان سلجوقیان و خوارزمشاهیان شاعران بزرگ چون اسدی، مسعود سعد سلمان، عمر خیام، امیرمعزی، انوری، خاقانی، نظامی، ازرقی، ادیب صابر، رشید و طواط، ظهیر فاریابی، جمال‌الدین اصفهانی، مجیر بیلقانی، ابوالفرج رونی، سیدحسن غزنوی، عبدالواسع جبلی، سنایی، عطار، مختاری غزنوی، عمیق بخاری و جز آنان ظهور کردند. و در نثر نمایندگانی مانند نظام‌الملک نویسنده سیاست‌نامه، کیکاووس زیاری مؤلف قابوس‌نامه، محمد بن منور نویسنده اسرارالتوحید، عطار نویسنده تذکرة الاولیاء، گردیزی مؤلف زین‌الخبار، راوندی نویسنده راحة‌الصدور، غزالی مؤلف کیمیای سعادت، نصرالله منشی مترجم کلیله و دمنه، نظامی عروضی مؤلف چهار مقاله، رشید و طواط نویسنده حدائق‌السحر، حمیدالدین بلخی نویسنده مقامات حمیدی، اسماعیل گرگانی مؤلف ذخیره خوارزمشاهی (در طب) ظهور کردند.

فارسی زبانان بوده‌است. سپس محمد بن وصیف سگزی و فیروز مشرقی و ابوسلیک گرگانی به سرودن شعر پرداختند.

نخستین شعرها به زبان فارسی نو، در افغانستان امروزی متولد شدند. نخستین شاعر بزرگ فارسی‌زبان «رودکی» بود. او در قرن چهارم ه. ق (دهم م.) در زمان اوج قدرت سامانیان شکوفا شد. اگرچه شعر کمی از او حفظ شده‌است، هنوز به عنوان یک شاعر درباری، نوازنده و خواننده برجسته مشهور است. از جمله آثار گم‌شده او حکایت‌های تبدیل به نظم‌شده کلیله و دمنه است.

گسترش جغرافیایی فارسی از سده یازدهم به بعد آغاز شد و از آن زمان به عنوان واسطه آشنایی ترکان آسیای میانه با اسلام و فرهنگ شهرنشینی درآمد. فارسی نو به‌طور گسترده‌ای به عنوان یک زبان میانجی فرمانطقه‌ای مورد استفاده قرار گرفت که به دلیل ساختار ریخت‌شناختی نسبتاً ساده آن بسیار مناسب این کار بود و این وضعیت حداقل تا قرن نوزدهم ادامه داشت. در اواخر قرون وسطی، زبان‌های ادبی اسلامی جدیدی بر اساس الگوی فارسی ایجاد شدند که از آن‌ها می‌توان ترکی عثمانی، جغتایی، دوبهاشی و اردو را نام برد که به عنوان «زبان‌های دختر

ایرانیان قرار دادند، اما این فرمانروایان روشن‌رأی سامانی بودند که پس از برقراری وحدت سیاسی در ماوراءالنهر و خراسان، برای انسجام و استمرار این وحدت به ایجاد نظام دیوانی متمرکزی که زبان فارسی، زبان اصلی و محوری آن بود همت گماشتند. (برگرفته از سخنرانی فریدون مجلسی/ روغایی از ویژه نامه شکوه هرات (دایرة‌المعارف ایرانشناسی / ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۳ / با همکاری هفته نامه نیمروز) چیرگی فارسی نو در زمان فرمانروایی سه دودمان ایرانی‌تبار طاهریان (۸۲۰-۸۷۲)، صفاریان (۸۶۰-۹۰۳) و سامانیان (۸۷۴-۹۹۹) رخ داد و تحت تأثیر صنعت شعری عرب، گونه‌ای نو از ادبیات در ایران پدید آمد که بیشتر مبتنی بر چامه (شعر) بود. این چامه قالبی گاهی در قالب‌های بومی عرب و گاهی در قالب‌های ابداعی ایرانی سروده می‌شد. ابوالعباس مروزی نخستین آوازه‌خوانی بود که به زبان فارسی نو آواز خواند و پس از او اشعار حنظله بادغیسی از معروف‌ترین اشعار در میان

شهید احمد یوسفی



زندگینامه سردار شهید احمد یوسفی

کتابون بهارلویی | دانشجوی ادبیات غنایی مقطع دکتری

مقدمه

در این مقاله، برای معرفی شهید یوسفی، ابتدا سخن را با معرفی یک کتاب آغاز می‌کنیم؛ «کتاب پاییز آمد» کتاب پاییز آمد؛ خاطرات فخرالسادات موسوی همسر سردار شهید احمد یوسفی به قلم گلستان جعفریان. کتاب، داستان عشقی است که به رغم گذشت زمان هنوز زنده است. در این کتاب به زندگی خصوصی فخرالسادات موسوی و شهید یوسفی، آشنایی و عشق آن‌ها پرداخته می‌شود، اتفاقی که در کتاب‌های مشابه کمتر رخ می‌دهد. جعفریان نویسنده این کتاب درباره آن گفته است: شهدا را همیشه کلیشه‌ای معرفی کرده‌اند و در مورد خاطرات زندگی آن‌ها طوری سخن می‌رود انگار یک موجود خیالی، دست‌نیافتنی و از آسمان آمده‌اند و هرگز زندگی عادی و روزمره نداشته‌اند. به دلیل تصور جامعه، شهید یک شخص معصوم عاری از هر گناه و اشتباه است درحالی‌که چنین

نیست و شهدا هم مثل دیگران زندگی عادی داشته و در روزمرگی کاملاً معمولی به سر می‌بردند، شاید خیلی‌هایشان حتی اهل نماز شب یا مستحبات نبودند و در همین کوچه و بازار زندگی می‌کردند، آرزوهایی داشته و اشخاصی بریده از دنیا و مادیات نبوده‌اند.

نویسنده درباره دلیل نام‌گذاری کتاب هم گفته است: چون آشنایی ایشان با شهید در پاییز صورت گرفته و زمان شهادت شهید احمد یوسفی هم مصادف با پاییز است، نام کتاب را «پاییز آمد» گذاشتیم. کتاب پاییز آمد روایت زندگی فخرالسادات موسوی و سردار یوسفی فرمانده واحد مهندسی رزمی سپاه ناحیه زنجان است که در ۲۴۰ صفحه به قلم گلستان جعفریان نوشته شده و توسط انتشارات سوره مهر چاپ و منتشر شده است.

زندگینامه و معرفی کتاب‌های نویسنده «پاییز آمد»

گلستان جعفریان نویسنده‌ای ایرانی است که آثارش تأثیر گسترده‌ای بر ادبیات جنگ و پایداری گذاشته است. او با نگاهی انسانی، عاطفی و روزمره به جنگ بُعد دیگری از انسانیت و فداکاری را به رشته‌ی تحریر درآورده است. آثار او همیشه منتقدانی جدی داشته‌اند که گاهی موافق و گاهی مخالف سبک روایت او بوده‌اند.

گلستان جعفریان از اهالی مشهد مقدس است؛ شهری که تأثیرات فرهنگی عمیقی بر تربیت او گذاشت. خانواده‌اش در سال‌های ابتدایی زندگی، به کرج نقل مکان کردند. این تغییر مکان، تجربه‌ای غنی از تنوع فرهنگی و اجتماعی برای او فراهم کرد که بعدها در آثارش بازتاب یافت. او در دانشگاه در رشته الهیات و تمدن ملل اسلامی تحصیل کرده. این رشته، دیدگاه‌های او را درباره‌ی تاریخ، فرهنگ و روایت‌های مذهبی غنی‌تر کرد. علاقه‌مندی او به تاریخ و تمدن باعث شد تا در آثارش روایت‌هایی را در پیش بگیرد که جنبه‌های انسانی و فرهنگی را

در جنگ و مقاومت برجسته می‌کند. خانواده‌ی گلستان جعفریان تأثیر زیادی در رشد فکری و ادبی او داشتند. حمایت خانواده و تشویق به مطالعه، مسیر نویسندگی را برای او هموار کرد. او در مصاحبه‌ای عنوان کرده است که علاقه‌اش به تاریخ و ادبیات، در محیط خانواده تقویت شده است.

نخستین کتاب و موضوعات ابتدایی کتاب چنده‌لا تا جنگ، نخستین اثر منتشرشده گلستان جعفریان است. این کتاب از نگاه روایی و موضوعی، پیشگام در پرداختن به زوایای پنهان و کمتر دیده‌شده نقش زنان در جنگ است. خاطرات امدادگران، زمانی که در خطوط مقدم و پشت جبهه فعالیت داشتند، به‌گونه‌ای در این کتاب بازتاب یافته که هم روایت‌های انسانی را تقویت کرده و هم تاریخی ارزشمند از این مشارکت به‌جا گذاشته است. این کتاب نقطه آغازین کار جعفریان در مسیر ادبیات مقاومت بود و توانست توجه بسیاری از مخاطبان و منتقدان را جلب کند. جعفریان در ادامه‌ی فعالیت حرفه‌ای خود با مؤسسات فرهنگی معتبر مانند «روایت فتح» و «ماهانامه‌ی سوره» همکاری کرد. این همکاری‌ها بستری برای تعامل بیشتر او با فضای حرفه‌ای ادبیات مقاومت فراهم کرد و او را با نیازهای مختلف مخاطبان و چالش‌های حوزه‌ی نشر آشنا ساخت. همچنین، فعالیت او در مقام معاون پژوهش در دانشگاه علوم انتظامی فرصت مناسبی بود تا با زوایای دیگر از پژوهش‌های مرتبط با جامعه و فرهنگ آشنا شود و از این تجربه‌ها در نگارش آثار خود بهره‌برد.

مروری بر آثار برجسته گلستان جعفریان

گلستان جعفریان با انتشار آثار متعددی در زمینه‌ی ادبیات مقاومت

شناخته شده است. این آثار شامل داستان‌های بلند، خاطرات و روایت‌های مستند از زندگی افرادی است که در جنگ حضور داشته‌اند. در ذیل مطلب، این آثار مختصر معرفی می‌گردد:

کتاب پاییز آمد: خاطرات فخرالسادات موسوی، همسر «شهید احمد یوسفی» است. این کتاب زندگی عاشقانه و احساسات عمیق و انسانی و رابطه روزمره این دو نفر را پیش از شهادت احمد یوسفی را، در بستر دوران جنگ بازگو می‌کند. این کتاب از سوی رهبر معظم انقلاب هم مورد تشویق قرار گرفت. متن تقریظ رهبر انقلاب اسلامی بر این کتاب به شرح زیر است:

بسمه تعالی

عشقی آتشین، عزمی پولادین، و ایمانی راستین چهره‌نگار زندگی این دو جوان است که با نگارشی زیبا و رسا در این کتاب تصویر شده است. این نیز از همان روایات صادقانه است که شنیدن و خواندن آن امثال این حقیر را خجالت‌زده می‌کند و فاصله‌ی نجومی‌شان با این مجاهدان واقعی را آشکار می‌سازد. (آذر ۱۴۰۱)

نویسنده در مقدمه کتاب به تجربه خود از ملاقات‌های متعددش با همسر شهید می‌پردازد. او که در طول چهار سال تالیف کتاب بیشتر از بیست‌بار به زنجان سفر کرده، حاصل سی ساعت گفتگو منجر به ارائه تصویری بدون روتوش از زندگی واقعی خانواده سردار احمد یوسفی شده است.

کتاب از چنده‌لا تا جنگ: این کتاب، «خاطرات شمس‌ی سبحانی»، یکی از زنان فعال در دوران دفاع مقدس است. روایت‌های آن بر تجربه‌های زنان در شرایط سخت جنگ و نقش برجسته‌ی آنان در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها متمرکز است. این کتاب با ارائه‌ی جزئیات دقیق، نقش زنان در جنگ را از

زاویه‌ای تازه نشان می‌دهد.

کتاب هم‌هی سیزده‌سالگی‌ام: این کتاب داستان زندگی نوجوانی ۱۳ ساله را بیان می‌کند که در دوران دفاع مقدس به اسارت دشمن درآمد. روایت این اثر بر تحولات روحی و فکری نوجوان در طول دوران اسارت تأکید می‌کند و تصویری انسانی و تأثیرگذار از این تجربه‌ی دشوار ارائه می‌دهد.

کتاب گاهی به آسمان نگاه کن: در این کتاب، خاطرات زنان دوران دفاع مقدس با محوریت زندگی روزمره‌ی آن‌ها روایت می‌شود. نویسنده در این اثر تلاش می‌کند زوایای کمتر دیده‌شده از نقش زنان در جنگ را بازگو کند و سهم آنان را در تاریخ جنگ به تصویر بکشد.

کتاب او نگاهش را به ارث گذاشت: این کتاب تجربه‌های عاطفی و معنوی مادران شهدا را در دوران جنگ بررسی می‌کند. روایت‌های آن به احوالات درونی این زنان و چگونگی مواجهه‌ی آن‌ها با سختی‌های جنگ نگاهی می‌اندازد و تأثیر عمیقی بر مخاطب می‌گذارد.

کتاب تیک‌تاک زندگی: زندگی و خاطرات یکی از فرماندهان جنگ در این کتاب با نگاهی انسانی و متفاوت روایت شده است. این اثر به فراسوی شخصیت‌های نظامی می‌پردازد و تلاش می‌کند بُعدی انسانی و ملموس از زندگی در شرایط جنگ را به تصویر بکشد.

کتاب درد بودن: این کتاب با پرداختن به موضوعات فلسفی و اجتماعی، چالش‌های زیستن را در بستر روایت‌هایی عمیق و تأمل‌برانگیز بررسی می‌کند. این اثر دیدگاهی متفاوت به زندگی و مسائل اساسی انسانی ارائه می‌دهد و خواننده را به تفکر وامی‌دارد.

کتاب روزهای بی‌آینه: داستانی

درباره‌ی مادران شهدا که عمق احساسات و ایشار آن‌ها در زمان جنگ را روایت می‌کند. کتاب خانه‌ام همین‌جاست: بازتابی از مقاومت و سختی‌های زنان در جریان مهاجرت‌های اجباری دوران جنگ است.

سبک نگارش و نگاه متفاوت گلستان جعفریان

جعفریان در آثارش به‌جای روایت‌های کلیشه‌ای و تکراری، بر بازگویی داستان‌های واقعی و کمتر شنیده‌شده تمرکز دارد. این نویسنده تلاش می‌کند از زاویه‌ای جدید و واقع‌گرایانه موضوعات مرتبط با جنگ را پیش بکشد و روایت‌های سرشار از احساسات عمیق انسانی و نگاه جزئی‌نگر به وقایع است و از توصیف‌های دقیق و ملموس استفاده می‌کند تا مخاطب بتواند به خوبی با فضای داستان ارتباط برقرار کند. این نویسنده نگاه متفاوتی به نقش زنان در جنگ دارد و با برجسته‌کردن این نقش‌ها، تصویری تازه و عمیق از ایشار و مقاومت ارائه می‌دهد.

وی با بهره‌گیری از روایت‌های کمتر شنیده‌شده و شخصیت‌هایی که در حاشیه‌ی وقایع قرار دارند؛ اما تأثیر آن‌ها در تاریخ جنگ انکارناپذیر است، موضوعات را از دیدگاه‌های گوناگون بیان می‌کند و به‌جای قهرمان‌سازی سنتی و کلیشه‌های معمول، بر انسانیت و تجربه‌های واقعی و بر جنبه‌های انسانی و روزمره‌ی زندگی شخصیت‌ها تأکید می‌کند. این نگاه متفاوت، آثار او را از سایر نویسندگان این حوزه متمایز کرده است.



زندگی نامه سردار شهید احمدیوسفی

نام: احمد - شماره شناسنامه: ۳۰۵ - متولد: ۱۳۳۵
زنجان - شهادت ششم مهر ۱۳۶۵، پدر احمد یوسفی دو سال پس از جنگ جهانی دوم به همراه والدینش به زنجان مهاجرت کرده بود و احمد در این شهر دیده به جهان گشود. احمد دو سال قبل از ورود به مدرسه، برای فراگیری قرآن به مکتب‌خانه رفت و قرآن را فراگرفت. دوره ابتدایی را در مدرسه جعفری زنجان و دوره راهنمایی را در مدرسه خاقانی گذراند. در دوره دبیرستان پس از اتمام سال دوم در سال ۱۳۵۵ ترک تحصیل کرده و به خدمت سربازی رفت. دوره آموزشی را در کردستان و بقیه خدمت را در هشتپر گذراند و پس از اتمام خدمت سربازی، در دبیرستان شبانه تحصیل را از سر گرفته و تا اخذ دیپلم ادامه می‌دهد. در سالهای قبل از پیروزی انقلاب از طریق شرکت در مجالس مذهبی از جمله جلسات سخنرانی شهید مدنی رحمة الله علیه در مسجد ملاکار (ولی عصر (عج) فعلی) و همچنین با استماع نوارهای سخنرانی با افکار امام خمینی قدس سره آشنا شده و در جریان مبارزات مردمی، اعلامیه‌های انقلابی را بین مردم پخش می‌کرد. گاهی به همراه دوستانش به قم می‌رفت و نوارهای سخنرانی حضرت امام قدس سره را به زنجان می‌آورد و توزیع می‌کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به مدت یک سال به طور افتخاری با سپاه پاسداران انقلاب همکاری داشت. به دنبال صدور فرمان حضرت امام «قدس سره»

مبنی بر تشکیل ارتش بیست میلیونی، از هر مسجدی نماینده‌ای معرفی می‌شد تا در جلسه توجیهی شرکت کنند. در آن زمان مسئولیت اداره جلسه و سخنرانی به عهده احمد بود. یکی از شرکت‌کنندگان در این جلسه خانم فخرالسادات موسوی بود که این جلسه و همکاریهای بعدی زمینه آشنایی و ازدواج آن دو را فراهم آورد.

شهید احمد یوسفی یکی از افرادی بودند که سنگ بنای سپاه ناحیه زنجان را نهادند. بینش ایشان نسبت به علمشان خیلی بیشتر بود. در اردوگاه بسیج درس سیاسی تدریس می‌کردند. معمولاً طراح اصلی کارهای سپاه شهید یوسفی بودند و در تمامی جلسات از ایشان استفاده می‌کردند. اگر چه فرمانده سپاه هم از نظر معلومات و هم از نظر مقام بالاتر از وی بودند اما خط فکری و راهنماییهای شهید یوسفی را کاملاً اجرا می‌کردند هر مسائلی که بود ایشان با سعه صدر حل می‌کردند. نشست و برخواست ایشان با افراد دیگر خیلی بزرگوارانه بود. با آغاز جنگ ایران و عراق، احمد یوسفی نیز به عنوان مسئول مهندسی رزمی سپاه زنجان در جبهه و در امر تبلیغات جنگ در پشت جبهه فعالیت داشت. از این رو مسئولیت وی اقتضا می‌کرد که وقت کمی را صرف

امور خانه و خانواده کند. همسرش در این باره می گوید: "اوقات فراغت ایشان بسیار کم بود ولی با وجود این، اوقات فراغتشان را یا صرف مطالعه کتاب، قرآن، ادعیه و... می کرد و یا به دیدار پدر و مادر و والدین خود می رفتیم." وی در کارهای خانه به من کمک می کردند بدون اینکه من از ایشان خواسته باشم. يك بار گفتم شما به جبهه می روید و ثواب می کنید به ما چه می رسد؟ در پاسخ گفت: "اگر شهید شدم، آن دنیا شفاعتتان می کنم." حساسیت در برابر تضییع حق و بیت المال از ویژگیهای بارز احمد یوسفی بود. در مورد ضایع شدن حقی یا واقع شدن ظلمی از کوره در می رفت و عکس العمل تندی نشان می داد.

در يك سخنرانی در جمع مسئولان تبلیغات گردانهای لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب علیه السلام همگان را به جلوگیری اصراف و تضییع بیت المال توصیه می کرد. نکات مهم و قابل توجه این سخنرانی باختصار در ذیل می آید:

۱- صداقت و سازگاری بین حرف و عمل؛ به نظر وی عناصر تبلیغاتی، در درجه اول باید خود عامل به ارزشهایی باشند که تبلیغ می کنند. ازسویی به نظر ایشان، صداقت اقتضا می کند که برای کشاندن نیروهای مردمی به جبهه ها، به غلو و دروغ متوسل نشویم و عملیات آتی را عملیات نهایی و تمام کننده کار جنگ جلوه ندهیم بلکه ارائه تصویری واقعی از اوضاع و احوال نظامی، سیاسی و اقتصادی کشور برای جلب مشارکت مردم در جبهه ها کافی است.

۲- خلاقیت و ایجاد تنوع در روشهای تبلیغی

۳- ایجاد زمینه برای مشارکت مردمی در تبلیغات

۴- جلوگیری از کشاندن شدن مسائل

و اختلافات سیاسی شهری و کشوری به داخل جبهه ها

۵- برخورد مناسب و ملایم

۶- جلوگیری از رواج شوخی و بطالت در میان رزمندگان

۷- توجه به حفظ بیت المال و جلوگیری از اسراف و تبذیر

ایشان در تاریخ ۵۸/۴/۱ به عضویت سپاه پاسداران زنجان در آمدند در بسیاری از عملیاتهایی مهم جنگی شرکت داشت وظایفی که این شهید در طول هشت سال دفاع مقدس به عهده داشت :

مسئول تبلیغات ناحیه زنجان

مسئول مهندسی، رزمی ناحیه زنجان
تاریخ شهادت : ۶۵/۷/۶ در محل کوه لری با نه

نحوه شهادت : اصابت ترکش به تمام اعضای بدن

خاطرات دو تن از دوستان شهید احمد یوسفی و نحوه شهادت ایشان یکی از دوستانش نقل می کند که روزی از خیابان سبزه میدان عبور می کردیم؛ ناگهان چشمش به عکس شهیدی افتاد؛ با تأسف گفت: "کاش من هم شهید می شدم؛ فردا که جنگ تمام شود می توانم پاسخگوی فرزندان شهداء باشم که بگویند پدر ما، هم دوره او بود و شهید شد ولی او زنده است و به زندگی عادی خود ادامه می دهد.

احمد يك سال قبل از شهادت، همزمان شهید خود را در خواب دیده بود که به وی وعده داده بودند که بزودی به آنان ملحق خواهد شد. وی پس از به انجام رساندن مأموریتی در منطقه فاو به مدت يك هفته به مرخصی رفته و در این فاصله به همراه خانواده برای زیارت امام رضا علیه السلام رهسپار مشهد شد. همسرشان در این باره می گوید: " هنگام قرائت

زیارتنامه می دیدم که ملتسمانه از آقا طلب شهادت می کند و زیارتنامه را بیش از حد معمول طول می دهد؛ به دلیل سختی ایستادن با بچه ای که در آغوش داشتم، خواهش کردم که زیارتنامه را سریعتر تمام کند." در پاسخ گفت: "شاید این آخرین باری باشد که به دیدار و زیارت امام رضا علیه السلام نایل می شوم؛ پس اگر امکان دارد اجازه دهید از فرصت پیش آمده بیشتر فیض ببرم. یکی از دوستان احمد یوسفی درباره نحوه شهادت وی می گوید پیش از حرکت به منطقه مورد نظر برای نقشه برداری از منطقه، احمد یوسفی و حاج کمال جان نثار در کنار هم بودند؛ نماز ظهر و عصر را به اصرار حاج کمال، به امامت احمد یوسفی به جا آوردیم. وی در مسیر حرکت یکی دو کیلو انجیر خرید و به بچه ها داد و گفت: "از انجیرهای این دنیا بخورید، شاید آخرین بار باشد که از انجیر دنیا می خورید؛ وقتی به منطقه رسیدیم به دسته های مختلف تقسیم شدیم و من همراه احمد یوسفی و حاج کمال جان نثار حرکت می کردم. در راه گلوله تویی فرود آمد و من نزدیک تانکر آب خم شدم تا آبی بنوشم؛ از آن دو عزیز خواستم کمی تأمل کنند تا من هم برسم؛ در بین این گفتگو گلوله دوم به آن طرف تانکر اصابت کرد و بلافاصله گلوله سوم فرود آمد؛ از خلال گرد و غبار دو نفر را دیدم که به زمین افتادند؛ با صدای بلند، حاج کمال و احمد یوسفی را صدا کردم و از آنها برای حمل این اجساد کمک خواستم؛ وقتی دقیقتر شدم دیدم اجساد این دو عزیز است. بدینسان احمد یوسفی در ششم مهرماه سال ۱۳۶۵ در ماه محرم در ارتفاعات لاری بانه، به علت اصابت ترکش توپ به تمام بدن به شهادت رسید و خانواده یوسفی، دومین شهید

خود را به انقلاب اسلامی تقدیم کرد. همسر شهید یوسفی می گوید: "شهادت احمد بسیار سریع اتفاق افتاد؛ روز پنجشنبه به زنجان آمد، جمعه به همراه علی (فرزند اول خانواده) به نماز جمعه رفتند، شنبه به جبهه بازگشت، یکشنبه شهید شد و دوشنبه جنازه اش را باز گرداندند و در مزار پایین شهر زنجان به خاک سپردند. وی به هنگام شهادت، دو فرزند پسر به نام های علی (متولد ۱۳۶۱) و محسن (متولد ۱۳۶۴) و یک دختر از خود به یادگار گذاشت.

بخشی از وصیت نامه پاسدار شهید احمد یوسفی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وانا لله وانا اليه راجعون

و من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا... علیه و منهم من قفا نعیه و منهم من ینتظر

با درود بر خاتم پیامبران حضرت محمدی مرتبت حضرت محمد مصطفی (صلی) و درود به امامان شیعه مولا مقتیان امیر المؤمنین حضرت علی (ع) تا آخرین آنان منتهی عالم بشریت دوازدهمین ستاره آسمان ولایت و امامت حضرت ولی الله الاعظم و نائب بر حق این بزرگوار حضرت امام خمینی که در ادامه راه انبیا عظام و اولیا گرام ما راه از منقلب گمراهی و ضلالت بسوی نور و روشنائی و راه ولایت و امامت رهنمون شد درود و صلوات و سلام خدای ملائکه الله به ارواح پاک شهید باد که با نثار خون خود بشریت راه به سوی حق و حقیقت دعوت می نماید و سرفی راه انبیا و اولیا خدای را با خون فویشر رنگین می سازد تا انسانها غافل از حق و حقیقت به خود آیند و به راه راستگاری و سعادت که همان راه انبیا الهی می باشد رهنمون شوند و درود و سلام و خدای ملائکه الله بر رزمندگان اسلام باد که حق و عدالت را با صفیر گلوله های فویشر به تمامی دنیا صادر می کنند و صدای تکبیر ملکوتی آنان جهان بشریت را که در تاریکی جهل و منقلب فحشا و فساد غوطه ورند نور افشانی کرده و راه را از چاه بردی انسانها روشن می کند.

ای برادران و خواهران عزیز راهی را انتخاب کنید که ولی الله اعظم روصی و روح المعالین التراب مقدمه الله در آن باشد و به شجاعت ای خواهران و برادران که در این راه قدم بردارید ولی غفلت از فرامین امام ننمایید تا به پیروزی نهائی در نصرت رهبر این بزرگ مرد عالم بشریت در این عصر برسید و زمینه ساز حکومت جهانی حضرت محمد (عج) باشید همانطور که امام عزیز گفته اند این انقلاب را به صاحب اصلی خود بسپارید که اگر چنین کنید خدای و رسول خدای و ائمه اطهار از شما راضی خواهند بود و من می دانم که چنین هستی و خواهد بود.

اما چند نکته به روحانیت و سروران جامعه اسلامی ما: شما می دانید که من از اول نصرت نظر روحانیون بودم و از درسهای شما استفاده بسیار کرده ام ما جوانان امیرمان بعد از امام به شجاعت بکوشید از اختلاف دور باشید که به خدای لا شریک قسم در زمانی که در شهر بودم همیشه از این جدائی و اختلاف رنج می بردم و دشمنان انقلاب و اسلام از این جدائی خوشحال می شوند. اگر شما اختلاف داشته باشید جامعه اختلاف خواهد داشت و این خطر بزرگی است که ما در این موقعیت است، پس برای هر دست اسلام از خون شهیدان و حفظ این انقلاب و صدق کلمه داشته باشید و مردم را زیر بال این انقلاب و صدق کلمه داشته باشید و مردم را زیر بال خود بگیرید و هدایت و رهنمون باشید و خود است دوم من از شما روحانیون این است که به جوانان و این نونهالان اسلام بها دهید و به مسائل دینی آنها برسید و آنها را آموزش اسلامی دهید که این جوانان امیر آینده اسلام هستند. شما مسئولین پرورش فکر آنها هستید اگر غفلت کنید گرگهای زیادی در کنار نشسته اند تا از فرصت استفاده کرده و آنها را از راه به در کنند و به انحراف کشند اگر چنین باشد شما در پیشگاه خدای مسئولید و در جامعه ما خلاصه این بین جوانان به وجود آمده است. به نیروهای چابک و پهلوی زیاد بها ندهید و نیروها را از زیربایی کنید که ما جوانان بسیار فداکار داریم که از صحنه کنار هستند.

اما برادران پاسدار: شما در لشکر حسین ثبت نام کرده اید که باید خصوصیات لشکر اسلام را داشته باشید و صیفت مولا مقتیان علی (ع) را بفهمید و عمل کنید که عبارتست از قرآن خواندن و نظم در زندگی با صفات قلب با هم دیگر رفتار کنید و از هم دیگر بغض و کینه به دل گیرید که چند صبا صبحان هم دیگر هستید و بعد از پشیمان نشوید. وسعت نظر داشته باشید که شما پاسدار اسلام هستید و باید با تمام کفر جهانی مبارزه کنید و به این زود از مبارزه فست نشوید که تمامی مستضعفان منتظر قدوم پر برکت شما هستند تا آنها را از یوغ مستکبران برهانید و اسلام را به آنان برسانید تا چشمان به گود رفتنشان از نور اسلام منور شود و از سیاه چال ها بیرون آید و بندگی خدای کنید که آنوقت است که شما نیز در عبادت آنها شریک خواهید بود. و خلاصه بشریت به انتظار رسیدن فرج امام زمان (عج) هستند و شما پرچم در این نهضت سربازان و پاسداران این انقلاب بزرگ و باید بدانید که چگونه باید شد و چگونه باید راه پیمود تا به این مقصد اعلا رسید.

خدای ما با یقین شهادت بده تا با خون ما سدره برده آلوده مسلمان و مستضعفان باشد و گوشه فرمان امام و پیرو روحانیت اصل باشید خدای امام زمان ما را از ما راضی و خشنود گردان و چشم است اسلام را به نوجوانان منور و بر استکبار جهانی پیروز گردان خدای رزمندگان اسلام را نصرت عطا بفرما.

خدایا خدایا، معروصین و معلولین را شفا عنایت فرما.

خدایا خدایا اسرار اسلام را به آغوش خانواده شان برگردان.

۹۲/۱۱/۴۵



پدر و مادر عزیزم برادران و خواهران عزیز و گرامی شما خود علاقه مره نسبت به اسلام و مسلمین و به خصوص این انقلاب واقف هستید و می دانید که من گاهانه این راه را انتخاب کردم اما این گاهی و انتخاب من چیز جدی از شما نیست. مادر عزیزم که مره با مسجد و مصرب و عزاداری سرور شهیدان آشنا ساختی خداوند عظمت این اعمال شما را می داند و دهرت بزرگ و عظیم بر شما عطا خواهد کرد و درود بر شما که با آغوش باز فرزندان خود را به جبهه های حق علیه باطل فرستادید درود خدا و ملائکه بر شما انسانهای صالح که با مفقود شدن برادران رحمان در معرکه جنگ و نبرد اسلام علیه کفر حتی یکبار نیز گریه نکردید و جبر پیشه نمودید و درود بر شما مادران و پدرانی که با افتضاح مدال شهادت را برگردن فرزندان خود آویختید و این مدال الهی را به دست آورید و تا روز معشر و در معشر حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) نشان دهید و بگوئید اگر حسین تو در کربلا با ۷۲ تن شهید شد و ما نیوریم که فرزند تو را یار کنیم اکنون فرزندان ما به ندره هل من ناصر یقربی فرزند تو لیک گفته و مدال شهادت برگردن آویخته اند پس ای مادر و ای پدر عزیزم از شهادت فرزندان خودتان ناراحت نباشید و می دانم که نخواهید شد و نیستید و خود را آماده کنید تا آن چهار برادر دیگر را نیز به صحنه پیکار حق علیه باطل بفرستید تا مدال افتضاح آفرین شهادت را برگردن آویزند. اگر شما سعادت فرزندان خود را می خواهید چه سعادت بالاتر از شهادت در راه خدا سرخ دارید؟ و من می دانم که خداوند بر شما جبریل عنایت می فرماید و اگر برادران رحمان نیز شهید شده است خداوند او را نیز مورد رحمت بی انتهای خود قرار دهد و به هر دو مالکیت دهد تا در بهشت ابدی او در جوار سرور سیدالشهدا آقا ابا عبدالله الحسین باشیم. پدر و مادر عزیزم شما در حق اینجانب زیاد متحمل لذیت و زحمت شدید و حق زیادت بر گردنم دارید امیدوارم که با بزرگواری خود مره ببخشید و از تقصیر من بگذرید و حق خود را بر من حلال کنید درود خدا بر رسولش و بر شما پدر و مادر عزیزم باد.

و اما ای برادران عزیزم کاظم ، حسین ، مصطفی ، امیدوارم شما نیز راهی را برگزینید که امام حسین (ع) برگزید و سگ شهیدان را پر کنید که می دانم چنین نخواهید کرد و خداوند نیز به شما توفیق دهد تا موفق سرلند باشید بگوئید تا در راه خود را به نحو احسن بفرمایید و هرگز از خواندن و مطالعه خسته نشوید و قدر پدر و مادر خود را بدانید و با آنها با مهربانی و خوشرویی برخورد کنید و رضای آنها را بدست آورید که رضای خداوند در رضایت آنهاست و تونیز ای خداوند تو نیز بسیار علاقه مند به سالار شهیدان پای گزدار مکتب شهادت ابا عبد الله الحسین (ع) و اصحاب با وفای او داری در فرات و همدان ما صبر و استقامت بیشتر کن و زینب و اریام رسان خون شهیدان باش می دانی حضرت زینب (س) در ده دهنده راه شهادت برادرش حسین (ع) بود.

و شما ای همسر مهربان و عزیزم فخرالسادات موسوی قلم ملو از کلام است برکت نوشتن ولی قلم را یار نوشتن نیست. زیرا در مقابل خدمت شما من چه بنویسم و چه بگویم که زبانم قاصر است، اما فقط یاد آور می شود با اینکه می دانستید از دواج با من چه مشکلاتی دارد، آنرا قبول کردید و امروز بر تو رسالت خون شهید است که آنرا به گوشه فکانت برسانی، من برکت تو کلاسی ندارم که بنویسم زیرا که تو وظیفه خود را بهتر می دانی از تو سپاسگزاری می کنم و امیدوارم زحماتی را که متحمل شدی به خاطر خدا بر من حلال کنی، تنها یک سفارش می کنم و آن اینکه فرزندانمان را خوب تربیت کنی و در راه امام حسین هدایت نمائی و به ایشان بگوئی که از شهادت پدرشان ناراحت و غمگین نباشند بلکه افتضاح کنند و اسلام پدر را بدوش گیرند و بردشمنان اسلام و این مرز و بوم هجوم برند و تا نابود استکبار جهانی در روی زمین به مبارزه خود ادامه دهند.

همه عزیزانم را به خدا می سپارم از همه بر ایم خلاصت بطلبید و امیدوارم که همه آنها را که برگردن من حق دارند مره نه به خاطر خودم بلکه به خاطر خدا ببخشند.

باید بگویم در مورد طلب و بدعتاریه ایم یک وصیتنامه جدی گانه در منزل دارم.

خدا را به فضل و کرمات بیشتر و بیامرز. درود بر امام و رزمندگان اسلام

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نمی توانم پاسگو فرزندان شهید باشم

فخرالسادات موسوی همسر شهید یوسفی اظهار داشت: همسر من بعد از ازدواج رسماً به عفویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آمد و با آغاز جنگ تحصیلی به عنوان مسئول مهندسی رزمی سپاه زنجان در جبهه و در امر تبلیغات جنگ در پشت جبهه فعالیت داشت. وی افزود: همسر من خود است شرمند فرزندان شهید شود. او قبل از شهادت گرفتار کشمیر هم شهید شوم، فردا که جنگ تمام شود نمی توانم پاسگو فرزندان شهید باشم که بگویند پدر ما، هم دوره او بود.

موسوی ادامه داد: همسر من پس از به انجام رساندن ماموریتی در منطقه فاو یک هفته به مرضی آمد و برکت زیارت امام رضا (ع) رهسپار مشهد شدم، هنگام قرأت زیارتنامه می دیدم که ملتسانه از آقا شهادت را طلب می کند و زیارتنامه را بیشتر از حد معمول طول می دهد، خواهد کردم که زیارتنامه را سریع تر تمام کند، در پاسخ گفت « شاید این آخرین بار باشد که به دیدار و زیارت امام رضا (ع) نایل می شوم ».

همسر این شهید دفاع مقدس تصریح کرد: شهادت احمد بسیار سریع اتفاق افتاد. روز پنجشنبه به زنجان آمد، جمعه به همراه پسر علی به نماز جمعه رفتند. شنبه به جبهه بازگشت. یکشنبه شهید شد و دوشنبه پیکرش را بازگرداندند و در مزار پایین شهر زنجان به خاک سپرده شد.

موسوی درباره خصوصیات بارز اخلاقی شهید یوسفی گفت: همسر در برابر تضییع حق بیت المال بسیار حساس بود. در مورد ضایع شدن حقی یا واقع شدن ظلمی از کوره در می رفت و عکس العمل تنیدی نشان می داد.

وی اضافه کرد: او در یک سخنرانی در جمع مسئولان تبلیغات گردان‌های لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) همگان را به جلوگیری از اسراف و تضییع بیت المال توصیه کرد. صداقت و سازگاری بین حرف و عمل، خلاقیت و ایجاد تنوع در روش‌های تبلیغی، ایجاد زمینه برای مشارکت مردم، توجه به حفظ بیت المال و پیشگیری از کشانده شدن مسائل و اختلافات سیاسی شهری و کشوری به داخل جبهه‌ها از مهمترین مولفه‌های مطرح شده احمد در این سخنرانی بود.

آخرین دیدار شهید با همسرش

همسر شهید یوسفی گفت: احمد سمت‌های زیادی در بسیج و سپاه در زمان جنگ داشت و قرار بود به خط مقدم برود. به او گفتم با دو بچه می‌توانم در زنجان بمانم. او برای ما یک خانه سازمانی در اهواز گرفت و گفت «باید به یک مأموریت در بانه بروم، وقتی برگشتم شما به اهواز بروید و من به خط مقدم» اما این رفتن بازگشتی نداشت.

وی افزود: ما همسران شهدا در ثبت خاطرات مان از جنگ و زندگی با شهدا مظلوم واقع شده‌ایم و نتوانستیم اتفاقاتی را که برایمان در زندگی مشترک، قبل و بعد شهادت همسرانمان رخ داده، آن‌گونه که باید و شاید انعکاس دهیم. علتش هم یکی تقید به حدود عرفی است و دیگر اینکه مورد سوال و پرسش قرار نگرفته‌ایم.

موسوی بیان کرد: همسر ششم مهر سال ۱۳۶۵ با سمت فرمانده واحد مهندسی رزمی در ارتفاعات لاری بانه بر اثر اصابت ترکش نیروهای بعثی به کمرش به شهادت رسید. پیکر او را در مزار پایین زادگاهش به خاک سپردند. برادرش رحمان نیز از شهدای استان زنجان است.



منابع:

فرهنگنامه جاودانه های تاریخ/ زندگینامه فرماندهان شهید استان زنجان

(blogfa.com.https://vmt / فداثیان زهرا (س)

شهید یوسفی و یارانش (علامت قرمز)

شهید همراه فرزندش

چالش‌های حقوقی و راهنمای قانونی؛ چطور قرارداد اجاره را برد-برد تنظیم کنیم؟

غزال شیرانی بیدآبادی | ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران

عقد اجاره یکی از عقود رایج در جامعه ماست، که ممکن است بسیاری از ما به عنوان موجر یا مستأجر با آن سروکله زده باشیم؛ اما واقعاً درباره این عقد چقدر اطلاعات داریم؟ این که تا به حال با مشکلی جدی در قراردادهایمان روبه‌رو نشده‌ایم، از خوش‌شانسی ما بوده یا کاملاً آگاهانه آن‌ها را امضا کرده‌ایم؟ بسیاری از جوانب پنهان عقد اجاره که ممکن است ما را به دردسر بیندازد و نیز سؤالات رایج و مهم، در این بخش بررسی خواهند شد (پس با دقت مطالعه کنید).

اولین گام در اجاره‌نویسی، آگاهی از شرایط نگارش و قانون حاکم بر آن است. در کشور ما دو قانون برای عقد اجاره ممکن است ملاک عمل قرار گیرد: یکی قانون سال ۱۳۵۶ و دیگری سال ۱۳۷۶. در مقایسه‌ای نسبتاً مختصر می‌توان تفاوت این دو قانون را چنین بیان کرد:

۱. برابر قانون سال ۵۶ لازم نیست در رابطه استیجاری، قرارداد کتبی (عادی یا رسمی) وجود داشته باشد و صرف وجود رابطه استیجاری یا تصرف ناشی از تراضی موجر برای شمول قانون کافی است، حتی اگر اجاره به‌صورت شفاهی انجام شده باشد (ماده ۱). ولی در قانون سال ۷۶، مکتوب بودن قرارداد به‌صورت سند عادی یا رسمی الزامی است و در غیر این صورت اجاره مشمول قانون سال



۷۶ نخواهد بود (ماده ۱).

۲. در قانون سال ۵۶ اگرچه ماده ۱ پیش‌بینی کرده که هر محلی برای سکونت یا کسب و پیشه یا تجارت یا منظور دیگر اجاره داده شود مشمول قانون است، اما با تصویب قوانین جدید (برای اماکن مسکونی) و دستورالعمل‌های خاص، عملاً اماکن مشمول قانون سال ۵۶ به محل‌های تجاری محدود شده است. در مقابل، قانون سال ۷۶ کلیه اماکن مسکونی، تجاری، آموزشی، خوابگاه‌های دانشجویی، ساختمان‌های دولتی و نظایر آن را شامل می‌شود (ماده ۱).

۳. قانون ۵۶ اماکنی را دربرمی‌گیرد که قبل یا بعد از تصویب آن به اجاره داده شده‌اند (تا پیش از اجرای قانون ۷۶). اما قانون ۷۶ صرفاً شامل اجاره‌هایی است که بعد از لازم‌الاجرا شدن آن منعقد شده‌اند (ماده ۱۹). به زبان ساده‌تر، اگر قراردادی قبل از قانون ۷۶ نوشته شده باشد، همچنان مشمول قانون ۵۶ است و قراردادهایی که از سال ۷۶ به بعد نگارش شده‌اند تحت حاکمیت قانون ۷۶ قرار می‌گیرند.

۴. در قانون سال ۵۶ در مورد شکل، نوع قرارداد، عنوان عقد، تعداد نسخ، امضای متعاملین و وجود شهود، الزامی وجود ندارد. اما در قانون سال ۷۶، شکل و نحوه نگارش قراردادهای عادی تجویز شده و باید به امضای طرفین (موجر و مستأجر) و دو نفر معتمد از سوی طرفین برسد (ماده ۲). عدم رعایت این موارد، قرارداد را از شمول قانون ۷۶ خارج می‌کند (بند ۵ ماده ۲ آیین‌نامه قانون ۷۶).

۵. در قانون ۵۶، موجر به صرف انقضای مدت اجاره حق تخلیه ندارد و تخلیه منوط به تحقق شرایط خاصی طبق مواد ۱۴ و ۱۵ قانون است. اما در قانون ۷۶، به محض انقضای مدت، بنا بر درخواست موجر، تخلیه انجام می‌شود (ماده ۳)، مگر اینکه در ضمن عقد اجاره یا بعد از آن، این حق از طرف دارنده آن ساقط شده باشد.

۶. در قانون ۵۶، تخلیه منوط به طرح دادخواست و رسیدگی قضایی است، اما در قانون ۷۶، تخلیه در اجاره‌نامه‌های عادی از طریق شورای حل اختلاف و در اسناد رسمی از طریق دفترخانه انجام می‌شود و نیازی به دادرسی به معنای خاص ندارد (ماده ۲ قانون و مواد ۹ و ۱۰ آیین‌نامه). این ویژگی را می‌توان مهم‌ترین امتیاز قانون جدید برای موجر دانست.

فرق دستور تخلیه با حکم تخلیه:

دستور تخلیه:

دستور تخلیه زمانی صادر می‌گردد که رابطه موجر و مستأجر مشمول قانون سال ۱۳۷۶ باشد و شرایط آن از جمله امضای دو شاهد رعایت شده باشد. در این حالت، قاضی

شورای حل اختلاف دستور تخلیه ملک مسکونی را ظرف یک هفته صادر می‌کند.

شرایط دستور تخلیه:

۱. مدت اجاره منقضی شده باشد.

۲. شرط عدم انتقال به غیر نقض شده باشد.

۳. مستأجر بیش از سه ماه اجاره بها را نپرداخته باشد.

۴. محل مورد اجاره مورد استفاده غیرمشروع قرار گرفته باشد یا موارد مشابه.

در این حالت موجر می‌تواند در شورای حل اختلاف محل ملک، درخواست "دستور تخلیه" بدهد (نه حکم تخلیه) و پس از بررسی، دستور صادر می‌شود.

حکم تخلیه:

حکم تخلیه زمانی صادر می‌شود که نتوان براساس قانون سال ۷۶ دستور تخلیه گرفت و دادرسی لازم باشد. هر دو مورد در صلاحیت شورای حل اختلاف است مگر آن‌که موضوع مربوط به حق کسب و پیشه و سرقفلی باشد.

موارد لزوم اظهارنامه

اظهارنامه زمانی استفاده می‌شود که قصد دارید مطلبی را رسمی اعلام کنید تا قابلیت استناد داشته باشد. البته گاهی قانوناً الزام به ارسال آن وجود دارد! برای مثال در عقد اجاره، اگر اجاره‌بها پرداخت نشود، موجر باید ابتدا از طریق اظهارنامه مطالبه کند و سپس در صورت عدم پرداخت، دعوای تخلیه مطرح شود.

نکات مهم درباره اظهارنامه:

- فقط در موارد ضروری ارسال شود، چون ممکن است طرف مقابل را هوشیار کند.

- ارسال آن می‌تواند عامل غافلگیری را از بین ببرد و طرف مقابل را برای دفاع آماده کند.

- تنظیم غیرحرفه‌ای اظهارنامه ممکن است شامل اقرار یا محدودکننده حقوق شما شود.

نکات ضروری در تنظیم عقد اجاره

لزوم قید مدت:

عدم تعیین مدت موجب بطلان قرارداد است (ماده ۴۶۸ قانون مدنی).

لزوم قید منع اجاره به غیر:

در صورت عدم ذکر این شرط، مستأجر حق اجاره دادن ملک شمارا به غیر خواهد داشت.

پایان قرارداد:

- با پایان مدت، عقد منحل می‌شود و اگر مستأجر بدون

اذن مالک تصرف کند، باید اجرت المثل بپردازد.

- فوت موجر یا مستأجر موجب بطلان اجاره نیست مگر در مواردی که منافع به مدت عمر یکی از آنها یا به مباشرت مستأجر مشروط باشد.

ورشکسته مالی:

شخص ورشکسته پس از صدور حکم توقف حق تنظیم اجاره ندارد و تصرفات مالی او با مدیر تصفیه است.

لزوم دو شاهد و دو نسخه:

قراردادهای عادی باید به امضای دو شاهد مورد اعتماد دو طرف برسد و در دو نسخه تنظیم شود.



پاسخ سؤالات رایج

۱. در صورت عدم وجود قرارداد اجاره برای اماکن تجاری چه باید کرد؟!

در صورت نبود قرارداد یا پایان مدت، هر یک از طرفین می‌توانند برای تعیین اجاره‌بها و تنظیم اجاره‌نامه به دادگاه مراجعه کنند. دادگاه اجاره‌بها را از تاریخ دادخواست تعیین و حتی نسبت به اجرت المثل پیش‌تر از آن نیز حکم صادر می‌کند.

۲. چطور از عدم تخلیه مستأجر در آینده جلوگیری کنیم؟!

- در قرارداد شرط جریمه روزانه تأخیر (مثلاً دوبرابر اجاره‌بها) را درج کنید و مهلت دقیق تخلیه را بنویسید.

- در صورت تخلف، اظهارنامه رسمی با مهلت ۱۰ روزه ارسال و سپس سریعاً به شورای حل اختلاف مراجعه کنید.

- اقدام خودسرانه برای تخلیه (مثلاً قفل‌زدن) جرم است و باید با حکم یا دستور قضایی انجام شود.

۳. اجاره ملک مشاع بدون رضایت شریک امکان‌پذیر است؟!

طبق ماده ۴۷۵ قانون مدنی، اجاره ملک مشاع جایز است ولی تحویل آن نیاز به رضایت همه شرکا دارد. بنابراین عقد اجاره صحیح است اما مستأجر تا پیش از رضایت تمام شرکا حق استفاده ندارد.

۴. مالک ودیعه را مسترد نمی‌کند، میتوانم ملک را تخلیه نکنم؟!

اگر موجر از بازپرداخت ودیعه خودداری کند، مستأجر حق خودداری از تخلیه ندارد و در غیر این صورت مشمول جریمه تأخیر خواهد شد. باید در موعد مقرر ملک را تخلیه و از شورای حل اختلاف مطالبه مبلغ را بخواهد.

۵. مستأجر مانع تعمیرات ضروری در ملک شده، چه کاری انجام بدهم؟!

به استناد ماده ۲۲ قانون روابط موجر و مستأجر، اگر مستأجر مانع تعمیرات ضروری شود، موجر می‌تواند شکایت و درخواست رفع ممانعت یا تخلیه موقت کند. این رسیدگی خارج از نوبت و بدون تشریفات بوده و حکم دادگاه قطعی است، همچنین مستأجر مسئول خساراتی که ناشی از ممانعت وی برای تعمیر بنا بوده نیز خواهد بود.

۶. چک ضمانت تخلیه گرفتن در اجاره صحیح است؟!

با توجه به ماده ۱۰ قانون مدنی، دریافت چک ضمانت بلامانع است مگر برخلاف قانون باشد چراکه قانون در این خصوص سکوت است. با این حال، استفاده نادرست از ضمانت‌ها به این صورت، مثل چک ممکن است تبعات کیفری یا حقوقی داشته باشد، پس باید با دقت تنظیم شود.

سخن آخر

عقد اجاره از رایج‌ترین قراردادهای ملکی است، اما همین رایج بودن گاه موجب بی‌احتیاطی در تنظیم آن می‌شود. هر بند از قرارداد می‌تواند آثار مهمی بر حقوق و تکالیف طرفین داشته باشد. تسلط بر قوانین، به‌ویژه تفاوت‌های دو قانون ۱۳۵۶ و ۱۳۷۶، مهم‌ترین ابزار پیشگیری از اختلافات است.

پیش از امضا، به جزئیات قانونی و شکل تنظیم دقت کنید، از مدارک معتبر استفاده نمایید و در صورت بروز اختلاف، از وکیل یا حقوقدان متخصص مشورت بگیرید تا از خسارات مالی و حقوقی جلوگیری شود.

آدرس ایمیل جهت ارسال سؤالات شما:

ut.ac.ir@ghazalshirani.b۱۳



به زودی . . .

اگر دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد
هستید، در صورت تمایل جهت همکاری
با نشریه مرصاد می توانید QR code
زیر را اسکن و یا روی آن کلیک کنید.

